

فهرست



الدرس الأول

من الأشعار المنسوبة إلى الإمام عليّ (ع)
نعماني الخروب المشهدة بالبيته ولا التلمذة لجنبي ٧

الدرس الثاني

الوجه النافع والوجه المضّر (الحال) ٢٧

الدرس الثالث

ثلاث قبض قصيرة (الإستثناء وأسوت الحمراء) ٣٧

الدرس الرابع

نظام الطبيعة (المنعول المطلق) ٧١

الدرس الخامس

يا إلهي (أسوت النداء) ٩٠

جمع بيتي قواعد ١١٢

جمع بيتي جمعة ١١٦

آزموون های جامع ١١٧

باستخراجه ١٢٦



عربی
دوازدہم
انسانی

انتظارات
آموزشی

- آنچه انتظار داریم در پایان این درس بدانید:
- حروف مشبّهة بالفعل، را بشناسید و تأثیر آن‌ها را بر ظاهر و مفهوم جمله بدانید.
- معنای حروف مشبّهة بالفعل، را بدانید.
- تأثیر الیت، و لعلّ، را بر ترجمهٔ جمله و فعل‌های درون جمله بدانید.
- لای نفی جنس را بشناسید و بتوانید آن را از سایر انواع لای، تشخیص دهید.
- بدانید جمله‌ای که لای نفی جنس بر سر آن آمده است چگونه ترجمه می‌شود.

واژگان و مفاهیم

●● فعل‌ها

ماضی	مضارع	مصدر	مثال
أَبْصَرَ	يُبْصِرُ	نگاه کردن، نگریشتن	دَوَاؤُكَ فَيْكُ و مَا تُبْصِرُ = داروی تو در توست و نمی‌بینی.
أَخَذَ	يَأْخُذُ (خُذُوا = بگیرید، امر)	گرفتن	خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ = حق را از اهل باطل بگیرید.
أَسْرَى	يُسْرِي	حرکت دادن	أَسْرَى بَعْدَهُ = بندماش را حرکت داد.
أَفْلَحَ	يُفْلِحُ	رستگار شدن	قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، = مؤمنان رستگار شده‌اند
أَمَاتَ	يُمِيتُ	میراندن	لَأُثْمِنُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ = قلب‌ها را با زیادی غذا نمیرانید.
الطَّوَى	يَطْطَوِي	به هم پیچیده شدن	و فَيْكُ النَّوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ = و در تو جهان بزرگ‌تر به هم پیچیده شد.
بَرَأَ	يُبْرِئُ	بی‌گناه شمردن	و مَا أُبْرِئُ نَفْسِي = و نفس خودم را بی‌گناه نمی‌شمارم
خَثَلَ	يَخْثُلُ	تحمیل کردن	رَبَّنَا و لَا تُخَثِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ = ای پروردگار ما، آنچه توانش را هیچ نداریم به ما تحمیل مکن.
زَعَمَ	يَزْعُمُ	گمان کردن	أَنْ تَزْعُمَ أَنَّكَ جَرَمٌ صَغِيرٌ = آیا گمان می‌کنی که تو پیکری کوچک هستی؟
سَارَعَ	يُسَارِعُ	شتافتن، شتاب کردن	لَا تَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ، = کسانی که در کفر ورزیدن شتاب می‌کنند تو را ناراحت نکنند.
عَقَلَ	يَعْقِلُ	خردورزی کردن	لَقَدْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ، = امید است که شما خردورزی کنید.
كَانَ	يَكُونُ (كُونُوا = باشید، امر)	بودن	كُونُوا نَقَادَ الْكَلَامِ = نقد کننده سخن باشید.

●● اسم‌ها

عربی	فارسی	مثال
أَهَارَةٌ	بسیار دستوردهنده	إِنَّ الشَّقْسَ لَأَهَارَةٌ بِالشَّوْمِ، = بی‌شک نفس بسیار دستوردهنده به بدی است.
بَدَلٌ	جانشین	فَلَمْ يَبْلُغْ و لَا تَطْلُبْ بِهِ بَدَلًا = به دانشی سعادتمند شو و برای آن جانشینی مخواه.
بَعَثَ	رستاخیز، برانگیخته شدن	هَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ = این روز رستاخیز است.
جَزْمٌ	پیکر	أَنْ تَزْعُمَ أَنَّكَ جَرَمٌ صَغِيرٌ؟ = آیا گمان می‌کنی که تو پیکری کوچک هستی؟
حَدِيدٌ	آهن	مَا خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ حَدِيدٍ = انسان از آهن آفریده نشده.
حَمْرَاءٌ	فرمز (مذکر آن احمر)	رَأَيْتُ وَرْدَةً حَمْرَاءَ = گل قرمزی دیدم.
خَائِبٌ	فروتن	أَذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَائِبُونَ = کسانی که در نمازشان فروتن اند.
غَيْطٌ	نخ	الغَضَبُ غَيْطٌ أَيْتَشُ فِي الْجِسْمِ يَجْرِي فِيهِ الْجِسْمُ = عصب نفی سفید در بدن است که حس در آن جریان دارد.
الذَّاءُ	بیماری	دَوَاؤُكَ يَنْكُ و لَا تَشْفُرُ = بیماری تو از توست و نمی‌دانی.
يَبْوِي	به‌جز	هَلِ الْإِنْسَانُ يَبْوِي لَحْمٍ و عَظْمٍ و نَضَبٍ؟ = آیا انسان چیزی به‌جز گوشت و استخوان و عصب است؟
الطَّيْنُ / الطَّيْنَةُ	گل	عَلَّمْنَا اللَّهَ مِنْ طَيْنَةٍ = خداوند ما را از گلی آفرید.
عَضْبٌ	پی، عصب	هَلِ الْإِنْسَانُ يَبْوِي لَحْمٍ و عَظْمٍ و عَضْبٍ؟ = آیا انسان چیزی به‌جز گوشت و استخوان و عصب است؟
فَقْصَارَةٌ	آمیوه‌گیری	الْفَقْصَارَةُ أَلَّةٌ لِأَخْذِ الْمَاءِ مِنَ الْفَوَاكِحِ = آمیوه‌گیری وسیله‌ای برای گرفتن آب از میوه‌هاست.
عَظْمٌ	استخوان	هَلِ الْإِنْسَانُ يَبْوِي لَحْمٍ و عَظْمٍ و نَضَبٍ؟ = آیا انسان چیزی به‌جز گوشت و استخوان، عصب است؟

عربی	فارسی	مثال
عَلَام	بسیار دانا، بسیار داننده	إِنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ = بی‌گمان، خداوند بسیار داننده ناهان‌هاست.
قرآن	قرآن کریم	إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا = بی‌گمان، ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم (بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم.)
لَحْم	گوشت	هَلْ الْإِنْسَانُ يَشْكُرُ لَحْمًا وَ عَظْمًا = آیا انسان چیزی به‌جز گوشت و استخوان، عصب است؟
مَوْجِلٌ	رسانا	كُلُّ عُنْتَصِرٍ فِلْزَيْقٍ مُّوَسِّلٌ لِلْحَرَاةِ وَ الْكَهْرِبَاءِ = هر عنصر فلزی رسانایی است برای گرما و برق.
فَلْتَذَهُ	مایه تباهی	إِنَّ الْغَضَبَ فَلْتَذَهُ = بی‌گمان، خشم مایه تباهی است.
الْحَاسِ	مس	تَسْتَعْمِلُ الْنُحَاسَ لِاتِّفَالِ تِيَارِ الْكَهْرِبَاءِ = از مس برای انتقال جریان برق استفاده می‌کنیم.

اصطلاحات

اصطلاح	معنی	اصطلاح	معنی
بیتانُ فرصوص	ساختمانی استوار	ما یتلی	آنچه می‌آید.
كُلُّهُمْ بَيْتَانُ فَرُوصٍ = انکار آن‌ها همچون ساختمانی استوار هستند.		إِهْلَاؤُ الْفِرَاقِ فِي مَا يَتْلِي = جای خالی را در آنچه می‌آید، پر کن.	
لا زَيْبَ فِيهِ	هیچ شکی در آن نیست		
ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا زَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ = آن کتاب، هیچ شکی در آن نیست. هدایتی برای پرهیزگاران است.			

مترادف

کلمه	معنی	مترادف	کلمه	معنی	مترادف
أضواء	روشنایی داد	آنار	سوی	به‌جز	إِلَّا
الذَّاء	بیماری	القرض	الشَّفاء	سلامتی	الشَّحَّة
زَعَمَ	گمان کرد	ظَنُّ			

متضادها

کلمه	معنی	متضاد	کلمه	معنی	متضاد
أحیاء	زندگاران	موتی	طویل	طولانی	قصیر
الذَّاء	بیماری	الشَّفاء، الشَّحَّة			

مفرد و جمعها

مفرد	معنی	جمع	مفرد	معنی	جمع
الْبَيْدَال	جانشین	الأبدال	العظم	استخوان	العیظام
الجزم	پیکر	الأجرام	الکفو	همتا	الأكفاء
العصب	پی، عصب	الأعصاب	اللم	دهان	الأفواه

مصدرها

مصدر	معنی	ماضی	مضارع	مصدر	معنی	ماضی	مضارع
الأخذ	گرفتن	أخَذَ	يأخُذُ	الجفل	قرار دادن	جَفَلَ	يَجفَلُ
التفت	برانگیختن	تَفَتَّ	يَتَفَعَّتْ	الکتمان	پوشاندن	كَتَمَ	يَكْتُمُ
البتاء	گریه کردن	بَكَى	يَبْكِي	التكون	بودن	كَانَ	يَكُونُ

گزیده جملات مفهومی

فِيْمَا كُلُّ نَفْسٍ مَّا يُعْمَلُ	ارزش هر انسانی به آن چیزی است که آن را به خوبی انجام می‌دهد.
ذَوُلُوكَ فَيَكُ وَا مَا يُبَيِّرُ وَا ذُلُوكَ يَنْكُ وَا لَا تُشْفَرُ	دوای تو در نوست و نمی‌بینی، و درد تو از نوست و احساس نمی‌کنی.
النَّاسُ نَوْتِي وَا أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ	مردم مردماند و اهل علم زنده‌اند.
إِنَّمَا النَّفْسُ يَعْلَمُ ثَابِتٍ وَا حَيَاءُ وَا غَفَابٍ وَا أَدْبٍ	افتخار فقط به عقل ثابت و حیا و پاکدامنی و ادب است.
إِنَّ اللَّهَ لَا يُغْنِي عَمَّا أَحْرَمُوا	بی‌گمان، خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.
لَا كُنْزٌ أَغْنَى بَيْنَ النَّاسِ	هیچ گنجی بی‌نیاز کننده‌تر از فناخت نیست.

هیچ چیز بهتر از بخشش در زمان نیرومندی نیست.	لا شيء أحسن من العفو عند القدرة
هیچ جهادی مانند جهاد [علیه] نفس نیست.	لا جهاد كجهاد النفس
هیچ خیری در سخن نیست، مگر همراه با عمل.	لا خير في قولي إلا مع العمل
هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست.	لا لباس أجمل من العافية
هیچ اکراهی در دین نیست.	لا إكراه في الدين
خداوند رحم نمی‌کند، به کسی که به مردم رحم نمی‌کند. (نکند)	لا يرحم الله من لا يرحم الناس
هیچ فقری شدیدتر از نادانی و هیچ عبادتی مانند تفکر نیست.	لا فقر أشد من الجهل ولا عبادة مثل التفكير

قواعد

حروف المشبهة بالفعل

«حروف مشبّهة بالفعل» حروف پرکاربردی هستند که بر سر جمله اسمیه می‌آیند و موجب تغییراتی در معنای جمله و ظاهر ابتدای جمله می‌شوند. به این صورت که حرکت حرف آخر مبتدا، با ذکر «حروف مشبّهة بالفعل» به «ت» یا «پ» یا «آ» تبدیل می‌شود.

مثال: التلميذ مجتهد ← إن التلميذ مجتهد.

«حروف مشبّهة بالفعل» عبارت‌اند از:

إِنْ = قطعاً همانا (این حرف موجب تأکید جمله بعد از خودش می‌شود)

أَنْ = که (موجب پیوند دو جمله می‌شود)

كَأَنَّ = گویی، مانند

لِئِنْ = ولی (برای برطرف کردن ابهام جمله قبل و کامل کردن آن می‌آید)

لَيْتَ = کاش (گاهی به صورت «یا لیت» دیده می‌شود)

لَعَلَّ = شاید امید است.

«اگر لیت» یا «لعل» بر سر جمله‌ای بیایند که در آن فعل مضارع وجود دارد، فعل مضارع بر معنای مضارع التزامی دلالت می‌کند و اگر «لیت» بر سر جمله‌ای بیاید که در آن فعل ماضی وجود دارد، فعل ماضی می‌تواند بر معنای «ماضی استمراری» یا «ماضی بعید» در فارسی دلالت کند.

مثال: لیت هذا التلميذ يتتبع عن الكسل - «يتتبع» فعل مضارعی است که به دلیل وجود «لیت» در ابتدای جمله بر مضارع التزامی دلالت می‌کند.

لیت هذا التلميذ يتتبع عن الكسل - «يتتبع» فعل ماضی است که به دلیل وجود «لیت» می‌تواند بر ماضی استمراری یا ماضی بعید دلالت کند.

«حروف مشبّهة بالفعل» بر سر جمله اسمیه می‌آیند. در این صورت ابتدای جمله اسمیه، به عنوان اسم «حروف مشبّهة بالفعل» منصوب می‌شود ولی اعراب خبر تغییر نمی‌کند و همچنان مرفوع باقی می‌ماند.

مثال: مياة البحر هادئة ← إن مياة البحر هادئة

مبتدا و مرفوع خبر و مرفوع اسم إن منصوب خبر إن مرفوع

حرف نفي

«لا» نفی جنس، حرفی است که بر سر یک جمله اسمیه می‌آید که اسم ابتدای آن یک اسم نكرة بدون «ال» و «تتوین» است و در این صورت به جمله مفهوم «هیچ» نیست» می‌دهد.

مثال: لا فخر كالجهل. هیچ فقری مانند نادانی نیست.

اگر به ظاهر اسمی که بعد از «لا» نفی جنس قرار دارد توجه کنید، در می‌یابید که این اسم «ال» و «تتوین» ندارد و روی حرف آخر آن حرکت «فتحه» دیده می‌شود.

«لا» نفی جنس بر سر یک جمله اسمیه می‌آید که از مبتدا و خبر تشکیل شده است؛ ولی گاهی خبر این جمله حذف می‌شود. مثال: لا شك، / لا إله إلا الله.

در درس «پایه» با سایر انواع «لا» (لا» به معنای نه، «لا» نفی، «لا» نهی) آشنا شدید. دقت کنید که «لا» نفی و «لا» نهی هر دو بر سر فعل مضارع می‌آید؛ ولی «لا» نفی جنس بر سر یک اسم بدون «ال» و «تتوین» می‌آید.

الفصل اول: تشخیص حروف مشبهة بالفعل و کاربرد آنها

روش پاسنگویی:

- ابتدا لازم است این حروف را به خاطر بسپارید و بدانید که هریک چه کاربردی در جمله دارند.
- «إِنَّ» و «أَنَّ» را با «إِنَّ» یا «أَنَّ» اشتباه نگیرید. توجه کنید که «إِنَّ» و «أَنَّ» حروفی هستند که بر سر فعل می‌آیند در حالی که حروف مشبهة بالفعل بر سر جمله اسمیه می‌آیند. («إِنَّ» هرگز بر سر فعل نمی‌آید، ولی «إِنَّمَا» به معنی «فقط» می‌تواند، بر سر فعل هم بیاید.)
- به تفاوت «كَأَنَّ» با «كَانَ» و همچنین «لَيْتَ» با «لَيْسَ» توجه کنید. (كان و ليس جزء افعال ناقصة هستند.)
- حرفی که موجب تأکید می‌شود: «إِنَّ»، حرفی که دو جمله را ارتباط می‌دهد: «أَنَّ»، حرفی که بیانگر آرزو (أمنية - تمنی) است «لَيْتَ»، حرفی که بیانگر امید داشتن به انجام چیزی (ترجی) است: «لَعَلَّ»، حرفی که برای بیان همانندی یا تشبیه است «كَأَنَّ» و حرفی که به رفع ابهام از جمله پیش از خود کمک می‌کند. «لَكِنَّ» است.
- «لَيْتَ» در صورتی که بر سر فعل مضارع بیاید بیانگر مفهوم «آرزو» است؛ ولی اگر بر سر فعل ماضی بیاید می‌تواند دلالت بر «حسرت» داشته باشد.

مثال: عَيْنُ الْجُمْلَةِ الَّتِي فِيهَا حَرْفٌ مِنَ الْحُرُوفِ الْمَشْبَهَةِ بِالْفِعْلِ:

- 1) كَانَ إِرْضَاءً لِلنَّاسِ غَايَةً لِهَذَا الْفَاعِلِ.
- 2) عَلَى التَّلَامِيذِ أَنْ لَا يَخَافُوا مِنَ الْامْتِحَانَاتِ.
- 3) إِنْ لَسْنَا فِي صِغَرِكَ فَمَوْ خَيْرٌ لَكَ.
- 4) كَأَنَّ نِجَاحِي فِي السَّابِقَةِ غَايَةٌ لَا تُذَرُّكَ.

پاسخ: سؤال «كَأَنَّ» در گزینه ۴ از «حروف مشبهة» است؛ **معنی جمله:** «گویا موفقیت من در امتحان هدفی است که حاصل نمی‌شود» **بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه ۱: «راضی کردن مردم هدفی برای این قاضی بود (است)» «كَانَ» در این جمله از افعال ناقصه است نه از «حروف مشبهة». گزینه ۲: «بر دانش‌آموزان واجب است که از امتحانات ترسند» «أَنَّ» در این جمله از «حروف مشبهة» نیست بلکه حرفی است که با آمدن بر سر فعل مضارع معنای مضارع التزامی ایجاد می‌کند. گزینه ۳: «اگر در کودکی تو من نبودم، برای من بهتر است» «إِنَّ» در این جمله حرف شرط است و از «حروف مشبهة» نیست. پس **گزینه چهارم** پاسخ است.

مثال: عَيْنُ جُمْلَةٍ لَيْسَ فِيهَا حَرْفٌ لِيَبَانَ الْأَمْنِيَّةُ أَوْ الْإِجَاهُ:

- 1) يَا لَيْتَنِي أَذَقْتُ لِيَزَارَةَ الْعَثَبَاتِ الْمُفْقَدَةَ مَرَّةً أُخْرَى.
- 2) لَا يَحَاوِلُ وَوَلَدِي كَثِيرًا، لَيْتَهُ يَصِلَ إِلَى هَدَفِهِ.
- 3) لَعْنَتِي أَنْجِعَ فِي هَذَا الْامْتِحَانِ لِأَنَّي فِدَ دَرَسْتُ جَيِّدًا.
- 4) إِنْ تَحَاوَلْتُ كَثِيرًا تَصِلُ إِلَى أَهْتِيكَ.

پاسخ: سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن حرفی برای بیان «امید» (الاجاه) و «آرزو» (الأمنية) نیست. دو حرف «لَعْنَةُ» و «لَيْتَ» برای بیان «امید و آرزو» هستند هیچ کدام از این حرف‌ها در گزینه ۲ وجود ندارند. دقت کنید کلمه «أمنية» در گزینه ۳ به معنی «آرزو» است ولی این جمله معنی امید و آرزو ندارد و یک جمله شرطی است. معنی جمله: «اگر زیاد تلاش کنی، به آرزویت می‌رسی» **بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه ۱: «ای کاش یاری دیگر برای زیارت عتبات مقدس بروم» «لَيْتَ» در این جمله برای بیان «آرزو» است. گزینه ۲: «امید است در این امتحان موفق شوم، زیرا به خوبی درس خواندم» «لَعْنَةُ» در این جمله برای بیان «امید» است. گزینه ۳: «پسرم خیلی تلاش نمی‌کند، ای کاش به هدفش برسد» «لَيْتَ» در این گزینه برای بیان «آرزو» است. پس **گزینه چهارم** پاسخ است.

الفصل دوم: تأثیر لیت، و لعل، بر فعل جمله

روش پاسنگویی:

- «لَيْتَ» + فعل ماضی (معادل ماضی استمراری یا ماضی بعید)
- «لَيْتَ» یا «لَعْلَ» + فعل مضارع (معادل مضارع التزامی)
- دقت کنید که علاوه بر فعل مضارعی که بعد از «لَيْتَ» یا «لَعْلَ» بیاید موارد زیر نیز بر معنای مضارع التزامی دلالت می‌کنند:
 - فعل شرط
 - فعل مضارعی که بعد از حروف «أَنَّ» - «كَيْ» - «لَعْنَةُ» و «لَيْتَ» باشد.
 - فعل مضارعی که در جمله توصیفی باشد به شرطی که پیش از این جمله نیز فعل مضارع آمده باشد.

مثال: عَيْنُ الْجُمْلَةِ الَّتِي لَيْسَ فِيهَا مُعَادِلٌ لِلْمَضَارِعِ الْإِتِّزَامِيَّةِ فِي الْفَارْسِيَّةِ:

- 1) لَعْنَتِي أَنْجِعَ فِي الْامْتِحَانِ.
- 2) عَظَمْتُ أَنْ أَتَلَّمَ هَذَا الدَّرْسَ.
- 3) إِنْ الْمُؤْمِنُ لَا يَغْتَضِبُ.
- 4) يَا لَيْتَنِي أَشَافِدُ صَدِيقِي فِي هَذَا الْيَوْمِ الْجَمِيلِ.

پاسخ: در گزینه‌های ۱ و ۴، «لَعْلَ» و «لَيْتَ» موجب تغییر معنای فعل مضارع به مضارع التزامی می‌شوند. به معنای این دو جمله دقت کنید: «امید است، در امتحان موفق شوم»، «ای کاش در این روز زیبا دوستم را مشاهده کنم» و در گزینه ۲، «أَنَّ أَتَلَّمَ» که یاد بگیرم» معادل مضارع التزامی است ولی در گزینه ۳، «إِنَّ» فقط موجب تأکید بر جمله می‌شود «بی‌گمان مؤمن عصبانی نمی‌شود» پس **گزینه سوم** صحیح است.

← الگو سوم: تشخیص اسم و غیر «حروف مشبّهة بالفعل» و امربا آنها

رواقی یادگاری

- ابتدا بدون در نظر گرفتن «حروف مشبّهة بالفعل» مبتدا و خبر را در جمله تشخیص دهید.
- مبتدا به «اسم حروف مشبّهة بالفعل» و خبر، به «خبر حروف مشبّهة» تبدیل می‌شود.
- دقت کنید که اسم «حروف مشبّهة» منصوب شده باشد یعنی در آخرش یکی از این علامت‌ها دیده شود: «ـة، ـی، ـین، ـین، ـی، ـی» ولی «خبر حروف مشبّهة بالفعل» مرفوع باشد؛ یعنی اگر یک اسم است در آخر آن یکی از علامت‌های «ـة، ـی، ـین، ـین» دیده شود.
- گاهی «خبر حروف مشبّهة بالفعل» جار و مجرور و یا جمله‌ای است که با فعل یا اسم آغاز می‌شود.

مثال: مِّنَ الْخَطَا (فی عمل الحروف المشبّهة بالفعل)

1. تَأَنَّنَ إِرْضَاءُ النَّاسِ غَايَةً لَا تَذَرُهُ
2. لَكِنَّ الْحَفْرَةَ قَلِيلَةٌ أَمِيقٌ
3. أَعْلَمُ أَنَّ زَيْنًا عَلِيٌّ كُنَّ شَيْءٌ قَدِيرٌ
4. إِنَّ الْعَلَّابَ الْمُتَجَدِّدُونَ نَاجِحُونَ.

پاسخ: در گزینه‌های ۱ و ۲ «إرضاء زین» الحفرة اسم «حروف مشبّهة بالفعل» و منصوب هستند و «غایة» قدير، قلیلة «خبر حروف مشبّهة بالفعل» و مرفوع هستند ولی در گزینه ۳ «العللاب» اسم حروف مشبّهة بالفعل است و باید منصوب باشد نه مرفوع (العللاب) و صفت آن یعنی «المتجددون» نیز باید مانند موصوف خود منصوب باشد، (المتجددون) پس گزینه چهارم صحیح است.

← الگو چهارم: تشخیص جمله فعلیه از اسمیه و تعیین تعداد جمله‌های یک مهاره

رواقی یادگاری

- برای تشخیص «لای» نفی جنس، به سایر انواع «لای» توجه کنید که:
- اگر بعد از «لای» فعل، جار و مجرور، اسم معرفه و اسم دارای تنوین قرار داشته باشد، این «لای» نفی جنس نیست، (بعد از لای نفی جنس، یک اسم نکره و بدون «ه» یا «نون» قرار می‌گیرد که حرف آخرش فتحه دارد).
- دقت کنید که گاهی بعد از «لای» نفی جنس، فقط یک اسم قرار دارد، زیرا خبر جمله بعد از «لای» گاهی حذف می‌شود.
- «لای» نفی جنس باید دربرگیرنده معنای «هیچ - نیست» باشد.

مثال: مِّنَ الْغَايَةِ لِلْجَنَسِ

1. لَا تَحْزَنُ لِأَنَّ أَبِي يُسَاعِدُنِي
2. لَا يَتَنَاوَلُ الطُّغْلُ هَذَا الطَّعَامَ
3. قَالَ لِي أَسْتَاذِي، لَا عِبَادَةَ مِثْلَ التُّكْرَمِ
4. أَنْتَ فِي الْمَدْرَسَةِ الْآنَ؟ لَا، أَنَا فِي الْبَيْتِ

پاسخ: در گزینه ۱ و ۲ «لای» بر سر فعل مضارع آمده و به ترتیب «لای نهی» و «لای نفی» است (غمگین نباش، نمی‌خورد) و در گزینه ۳ «لای» به معنی «نه» در جواب «آیا» آمده است؛ ولی در گزینه ۴ «لای» بر سر یک اسم نکره که «الغ» و «نون» هم ندارد آمده و معنای جمله به این صورت است: «هیچ عبادتی مانند تکر نمی‌باشد» پس گزینه دوم صحیح است.

ترجمه

- دانستن معنای «حروف مشبّهة بالفعل» و تأثیری که روی مفهوم جمله می‌گذارند از موارد ضروری برای ترجمه صحیح جمله است. در این رابطه لازم است به موارد زیر توجه کنید:
- دقت کنید که ترجمه «إِنَّ» در فارسی خیلی ضروری نیست؛ یعنی اگر جمله‌ای از هر نظر درست ترجمه شده باشد ترجمه نکردن «إِنَّ» که یک تأکید است لزوماً غلط ترجمه‌ای محسوب نمی‌شود؛ یعنی فقط به این دلیل گزینه را رد نکنید.
- «إِنَّ» برای تأکید است؛ ولی «إِنَّمَا» معادل «فقط» ترجمه می‌شود.
- تأثیر «لِيت» و «لعل» بر معنای فعلی که پس از آن‌ها در جمله می‌آید؛

به این مثال‌ها توجه کنید:

أخي يتجئ في هذه المسابقة ← برادرم در این مسابقه پیروز می‌شود

ليت أخي يتجئ في هذه المسابقة ← ای کاش برادرم در این مسابقه پیروز شود

لعل أخي يتجئ في هذه المسابقة ← شاید برادرم در این مسابقه پیروز شود.

- همان‌طور که مشاهده می‌کنید با ذکر «ليت» و «لعل» فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

أخي تجئ في هذه المسابقة ← برادرم در این مسابقه پیروز شد

ليت أخي تجئ في هذه المسابقة ← ای کاش برادرم در این مسابقه پیروز می‌شد (پیروز شده بود)

- با ذکر «ليت» فعل ماضی می‌تواند معادل ماضی استمراری یا ماضی بعید در فارسی ترجمه شود. در این رابطه، توجه به سیاق عبارت و روان بودن ترجمه ضروری است.

اگر با جمله‌ای روبه‌رو شوید که در آن «لا» بر سر یک اسم نکره و مفتوح آمده است می‌توانید حدس بزنید که این جمله با «لاهی نفی جنس آغاز شده است» در این صورت، چنین جمله‌ای را می‌توانید معادلی «هیچ - نیست» ترجمه کنید.

لا طعام فی بیتنا. (هیچ غذایی در خانه ما نیست.)

در ترجمه چنین جملاتی، می‌توان کلمه «هیچ» را ذکر نکرد، ولی ذکر اسمی که بعد از «لا» آمده است، به همراه «یا» نکره در فارسی ضروری است. (غذایی در خانه ما نیست.)

تهرین تسته

واژگان و مفاهیم

- عین الخطأ عن الترادف و التضاد^۱
 - سوی - غیر / نقص = زلا
 - یوم البعث - یوم القیامة / ساقط = أغان
 - عین الصحیح حسب التوضیحات:
 - لیت ناصرأ ابتعد عن الكسل. (متضاد: القرب)
 - قیمة كل امری بأعماله الحسنة. (مترادف: التمام)
 - عین العبارة ما جاء فیها المتضاد،
 - فلم یعلم و لا تعلم به بدلاً
 - أترغم أنك جرم صغیر
 - بل تراهم خلفوا من طینة
 - التاس من جهة الأبام أکناف
 - عین الصحیح عن الجمع،
 - العظم: العظام
 - الخیط: الخیاط
 - عین الصحیح لتکمیل الفراغات،
 - لا فتر أشد من ... و لا عبادة مثل ... (الکفر، الجهل)
 - ربنا لا تحثنی ما لا ... لی به (طاقة)
 - عین الخطأ عن الترجمة،
 - أحییونا إن الله یحب المحسنین. (نیکی کنید)
 - إن الغضب فسدته (تبهکار)
 - انتخب الصحیح،
 - المخلوط فی جسم الإنسان و حیوان و یجری فیها الجمل ← العظم
 - من الأحجار الجمیلة باللون الأبيض ← الباقوت
 - عین الصحیح عن ترجمة الكلمات،
 - ابحث عن معنی العصاره فی المعجم. (گفت و گو کن - آبیوه گیری)
 - خلفنا من لحم و عصب و عظم (آفریدیم - گوشت)
 - فی الإنسان انطوى العالم الأكبر. (در هم پیچید - دانشمند بزرگ‌تر)
 - و ما أبزیء نفسی إن التمس لأقاربه بالتسوؤ إلا ما زجتم ریحی (بی گناه نمی‌شمارم - بسیار فرمان‌دهنده)
 - عین الصحیح فی ترجمة ما أشیر إليه بخط،
 - انزل القراع فی ما ینلی: می‌آید
 - لعل جدتی تسافر إلی العتبات المقدسة، مسافرت می‌کرد
 - عین الخطأ فی ترجمة الفعل،
 - أرید من الله أن یملأ قلوب المسلمین انشراحاً، که پر کند
 - و ألا یحتلنا ما لا طاقة لنا، بر ما تحمیل نکند
 - عین الخطأ فی الترجمة،
 - فاطمة: بُرند / منقطع: بریده شده
 - فسدة: مایه تباهی / محجوب: برآورده شده
۱. در رابطه با سؤالهای مترادف و متضاد لازم است گزینه‌ای را که نسبت به بقیه درست‌تر است، انتخاب کنید.

۱۲. عین الخطأ في التوضيحات:
- الأثار القديمة و الحضارات تؤكد اهتمام الإنسان بالدين، الحضارة مظاهر التقدم في ميادين العلم و الصناعة ()
 - هل الإنسان سوى لحم و عظم (جمعهما: أحماء و عظام) ()
 - فالتاس موتي و أهل العلم أحياء (هاتان الكلمتان متضادتان) ()
 - قد حدثنا القرآن عن صراع الأنبياء مع أقوامهم الكافرين. (مترادفهما على الترتيب: تكلم، نزاع) ()
- ما هو الخطأ:
۱. لعلّ = زجماً () تيميز مصدره (إبصار) ()
۲. جرم (جمعها: أجرام) () أحياء (مفرد، عتي) ()
۱۳. عین الخطأ حسب التوضيحات:
- قدّدت الحروف المشبهة بالفعل بيئتم ()
 - الطير يطلق على تراب مختلف بالعام ()
۱۴. عین الخطأ حسب التوضيحات:
- التبعث يطلق على يوم لحاست أعمال الإنسان فيه ()
 - العشيرة مكان تحلّط فيه أشياء قديمة و أثرية ()
۱۵. لا خير في قولي إلا نفع الفعل، عین المناسِب للمفهوم:
- علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد ()
 - علم چون حاصل کنی آن که عمل خالص شود ()
۱۶. عین غیر المناسِب في مفهوم العبارة:
- «أيتها الفاجر جهلاً بالتسب / إنما الناس لأم و لأب»
- چسون شویر به عسود سپه شکن باش ()
 - جایی که بزرگ یا بدت بود ()
 - گیرم پدر تو بود فاضل ()
 - بالغ نظری سبب نگه دار ()
۱۷. عین غیر المناسِب في المفاهيم التالية:
- «إن الله لا يضيع أجر المحسنين»: تو نیکوئی کن و در دجله انداز / که ایزد در بیابان دهد باز ()
 - لا شيء أعلى بالشجن من اللسان: گفته خوش که بر زبان آید / مرغ و حلوی پخته زان آید ()
 - «لا يعلم لنا إلا ما علمتنا»: خداوند خداوندان و صورت ساز بی صورت / چه صورت می کنی بر من تو می دانی من نمی دانم ()
 - لا تكثر أغنى من القناعة: روده تنگ به یک نان نهی پُر گردد / نعمت روی زمین پُر نکند دیده تنگ ()
۱۸. عین الخطأ في المفهوم:
- لا شيء أعلى بالشجن من اللسان: راز خود با یار خود چندان که بتوانی مگوی ()
 - لا دين لمن لا عهد له: حرف که می زنی، سر حرفتان بمانید ()
 - لا لباس أجمل من العافية: تن آدمی شریف است به جان آدمیت / نه همین لباس زیباست نشان آدمیت ()
 - لا تكثر أغنى من القناعة: خبر کن حریص جهانگرد را / قناعت توانگر کند مرد را ()
۱۹. عین الصّحيح في مفهوم هذه الآيات:
- أيتها الفاجر جهلاً بالتسب / إنما الناس لأم و لأب ()
 - هل تراهم خلفوا من قصة / أم حديد أم نحاس أم ذهب ()
 - تبل تراهم خلفوا من طينة / هل يسوي لحم و عظم و عصب ()
 - إنما الفخر لعقل ثابت / و حياء و عفاف و أدب ()
 - إنما الشرف بالعقل لا بالمال ()
۲۰. عین الصّحيح حسب الواقع:
- قدر الإنسان بالثروة التي نكتسبها بالاجتهاد و المحاولة ()
 - الإنسان عالم صغير و العالم عالم كبير ()
۲۱. عین الخطأ عن المفهوم:
- فقر بالعلم و لا تطلب به بدلاً فالتاس موتي و أهل العلم أحياء: (اهمیت علم آموزی) ()
 - إنما الفخر لعقل ثابت و حياء و عفاف و أدب: (ادب مرد به از دولت اوست) ()
 - قيمة كل امریء بأعماله الحسنة: (کار نیکو کردن از پر کردن است) ()
 - لا شيء أجمل من العفو عند القدرة: (ارزش بخشش و گذشت) ()
۲۲. عین الخطأ عن السؤال و الجواب:
- أي طعام لیتت لها برکة؟ الطعام الذي لا یذکر اسم الله علیه. ()
 - من أفصح في الحیاة؟ الذين في صلاتهم خاشعون ()
۲۳. عین غیر المناسِب في المفهوم:
- لا تكثر أغنى من القناعة (خدا را ندانست و طاعت نکرد / که بر بخت و روزی قناعت نکرد) ()
 - «قلنا يا نازکونی برداً و سلاماً» (گر نگهدار من آن است که من می دانم / شیشه را در بغل سنگ نگه می دارد) ()
 - «لا تستبوا الذين يدعون من دون الله فيستبوا الله» (چو دشنام گویی دعا نشنوی) ()
 - لا جهاد كجهاد النفس. (ای شهان گشتمیم ما خصم برون / ماند خصمی زو بتر در اندرون) ()

۲۴. عین الصحیح حسب الواقع:

- ۱ لم يكن لبعض الشعوب طريقة للعبادة و ما كان لهم دين.
۲ ما كثر إبراهيم إلا القسم الكبير.
۳ تقديم القرابين للأكله لكسب رضاها من الخرافات الدينية.
۴ من علامات الحنيف ترك الحق و التمايل إلى الباطل.

دركه مطلب

اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة:

«الناس من جهة الآباء أكتفاءً أبوهم آدم (ع) و أمهم حواء ولكن فذُرُّ كُلِّ امْرِيءٍ ما كان يُحْسِنُهُ و عِزَّةُ الرِّجَالِ عَلَى أفعالِهِمْ فعلينا ألا نتفاخر بالتَّسْبِيحِ كُنَّا مخلوقون من طين و نسا بيوت لحم و عظم و غضيب و فخرُ الإنسان بِقَلْبِهِ و حِيَاةِهِ و عِفَافِهِ و آدِبِهِ و تقواه» و على الإنسان أن يفوز بالعلم و لا يطلُبَ به بدلاً لِأَنَّ النَّاسَ عَوْنِي و أهلُ العِلْمِ أحياءُ

عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ مَفْهُومِ النَّصِّ:

۲۵. ۱ التَّمَرُّزُ بِالتَّسْبِيحِ ۲ الإنسان و كماله ۳ طلبُ العِلْمِ ۴ آباءُ الإنسان
عَيْنُ الْخَطَأِ حَسَبَ النَّصِّ:
۲۶. ۱ خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ طِينٍ ۲ أبُ الْإِنْسَانِ آدَمُ وَ أُمُّهُ حَوَاءٌ ۳ على الإنسان أن يطلُبَ بدلاً بالعلمِ ۴ شرفُ القرءِ بأفعاله لا تشبیه
عَيْنُ مَا لَيْسَ مِنْ قَدْرِ الْإِنْسَانِ:
۲۷. ۱ الْأَصْلُ وَ التَّسْبِيحُ ۲ الغنلُ و الغنلُ ۳ الحياءُ و العفافُ ۴ العِلْمُ و الأدبُ
عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي لَا يَوْجَدُ مَفْهُومَهَا فِي النَّصِّ:
۲۸. ۱ جَمَلُ الْقُرءِ فَصَاحَةٌ لِسَابِمِ ۲ إِنَّ أكرمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنفَاقِي ۳ لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُونَ ۴ و خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَى

النُّصُّ الثَّانِي:

أ تعلم أن للتمساح صديقاً مخلصاً من الطيور، حيث ترى بينهما تعاملًا عجيبيًا فكثيراً ما نشاهد التمساح قد فتح فكَّيه الواسعين و أقبل الطائر و دخل فيه فبه بكل طمأنينة ليجمع بمنقاره كل ما علق بين أسنان ذلك الحيوان من الطعام، لذا فقد أنس كل منهما الآخر و استحسنت بينهما أسباب الصداقة حتى أنك ترى الطائر يدخل فم التمساح و كأنه يدخل بيته.

هناك خدمة أخرى يقدمها هذا الطائر للتمساح، فهو يتبع التماسيح في رحلاتها لطلب القوت، فإذا شاهد صيداً أو خطراً أسرع إلى إنذار التمساح بإيجاد صوت يدرك الحيوان معناه، فيسرع إلى الابتعاد أو إلى اتخاذ الحيلة المناسبة لاصطياد (= صيد) طعمته.

عَيْنُ الصَّحِيحِ:

۲۹. ۱ يخشى الطائر من التمساح، و لا يقترب منه أبداً. ۲ يصوت التمساح صوتاً عند الشعور بالخطر، فيفرط الطائر من الخطر.
عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: يلازم الطائر التمساح في السفرات لـ
۳۰. ۱ إنذار التمساح. ۲ أنه مونسه و رفيقه.
متى يدخل الطائر فم التمساح؟
۳۱. ۱ قبل أكل الطعمته. ۲ حين يشعر التمساح بالخطر.
من أسباب المؤدة الشعور باحتياج الواحد إلى الآخر.
الفائدة المهمة للطائر هي إزالة الجراثيم من فم التمساح بعد دخوله فيه.

(شرح لتركيب ۱۶)

(شرح لتركيب ۱۶)

(شرح لتركيب ۱۶)

قواعد

عَيْنُ الْجُمْلَةِ الَّتِي فِيهَا حَرْفٌ مِنَ «الْحُرُوفِ الشَّكِّيَّةِ بِالْفِعْلِ»:

۳۲. ۱ كان إرضاء الناس غاية لهذا القاضي ۲ إن تسال في صبرك فهو خير لك ۳ أي عبارة فيها حرف «التأكيده» على الجملة.
عَيْنُ الْجُمْلَةِ الَّتِي فِيهَا حَرْفٌ مِنَ «الْحُرُوفِ الشَّكِّيَّةِ بِالْفِعْلِ»:
۳۳. ۱ أجب أن أشاهد ذلك البحر الجميل ۲ هذا التلميذ كان يتلوث إلى الوراء لأنه لم يتعلم الدرس.
عَيْنُ الْجُمْلَةِ الَّتِي فِيهَا حَرْفٌ مِنَ «الْحُرُوفِ الشَّكِّيَّةِ بِالْفِعْلِ»:
۳۴. ۱ باليتني أذهب لزيارة العقبان المقدسية مرة أخرى ۲ لا يحاول ولدي كثيراً لئلا يميل إلى تقديمه
عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي فِيهَا الْمَضارعُ الْإِنْتِزَامِيَّةُ:
۳۵. ۱ إنني أزعج إلى الجامعة و أحاول في الدرس ۲ لئلا نتجد لتحرير القدس العزيزة
ما هو الصحیح عن فعل «شكرك» «هذا فضل على الناس من ربنا الكريم لقلنا لشكرك»
۳۶. ۱ معادل للمضارع الانتزاعي ۲ معادل للماضي الاستمراري ۳ ليس في معناه «الرجاء» ۴ يدل على الماضي البعيد
عَيْنُ الْجُمْلَةِ الَّتِي فِيهَا فِعْلٌ يَدُلُّ عَلَى الْمَاضِي الْإِنْتِزَامِيَّةِ:
۳۷. ۱ لئيت صديقك رأى محاولتك لخل مشكلك ۲ كانت تؤكّد أثاراً قديمة لظمام الإنسان بالدين

على التلاميذ أن لا يخافوا من الامتحانات.

كأن نجاحي في المسابقة غاية لا تدرك.

إننا نحب الذين يقاتلون في سبيل الله.

إن صيرت عضلت على النجاح فتوكل على الله.

لعلني أنجح في هذا الامتحان لأنني قد درست جيداً.

إن تحاول كثيراً تميل إلى أشتيتك.

لا تتكاسل لأن طريق النجاح ليس سهلاً.

كثت ذلها إلى السوق و اشتريت هذا القميص.

يُدلُّ عَلَى الْمَاضِي الْبَعِيدِ

ليس في معناه «الرجاء»

كأن الاستاذ لا يرى الجمال إلا العزيمه

هذا كتاب مفيد كان يؤثر في نفسي

۲۸. عین ما ليس فيه معادل المضارع الاتزامي،
 ۱. نعلن هذين الطالبين مساعداً زميلهما
 ۲. إنه يخرى بنسبه و ليس شجاعاً
۲۹. استخدام العبارة التالية تع «إن» «المؤمن قليل الكلام»
 ۱. إن المؤمن قليل الكلام. ۲. إن المؤمن قليل الكلام.
۳۰. عین الخطأ في عمل «الحروف المشبهة بالفعل»
 ۱. إن هذين التلميذين ناجحان في الامتحان
 ۲. ليت أصدقائنا متوكلين على الله في أمورهم
۳۱. عین الصحيح (في عمل الحروف المشبهة بالفعل و الأفعال الناقصة)،
 ۱. تأرن إغوتي الأيزاء مجتدين لتحلق أهدافهم
 ۲. إن الجاع لقرن يطلب الغلى
۳۲. عین الخطأ في نوع «لا»
 ۱. لا يصفه أحسن من الأدب في الإنسانيه ۲. الناقية للجنس
 ۳. لا تذخلوا المختبر الآن لأن فيه مواد محترقة ۴. الناقية
۳۳. عین حرفاً من «الحروف المشبهة بالفعل» عقله التواضع بين الجمليتين،
 ۱. و يقول الكايز، باليتني كنت ثراباً
 ۲. كأن إرضاه الناس غايبة لا تدرك
۳۴. عین «لا» يختلف نوعه،
 ۱. على الناس أن لا يجالسوا الكاذبين لأن الكذب عمل فيح.
 ۲. الذي يحب أن يكون محترماً في المجتمع لا يظلم الناس أبداً
۳۵. عین الصحيح لتكميل الفراغ، «لا تحزنن يا صديقي» ————— الله معنا في جميع الأمور»
 ۱. إن ۲. ليت
 ۳. عین عبارة جاء فيها نوعان من «لا»
 ۱. ربنا لا نحملنا ما لا طاقة لنا به
 ۲. لا يدخل الجنة الذي لا يتسلم الناس من لسانه
۳۷. عین ما ليس فيه «لا» الناقية للجنس،
 ۱. يعتقد العلماء بأن ذهن الإنسان عالم لا نهاية له
 ۲. لا رجاء بنجاحه من ليس له إمام يقندي به
۳۸. عین الخطأ (في عمل «الحروف المشبهة بالفعل»)،
 ۱. عملت أن تعظيم شعائر الله تنبئ تقوية القلوب.
 ۲. ليت الإنسان الفاجر يوم القيامة يكون ثراباً
۳۹. عین حرفاً جاء يرفع الإبهام عن ما قبله،
 ۱. إن الله لا يضيع أجر المحسنين
 ۲. إنا جعلناه قرآناً عربياً لعلكم تعقلون
۴۰. عین ما يدل على «المضارع الاتزامي» في الفارسية،
 ۱. هذه الوظائف متعلقة بالحيوانات التي كانت تعيش جماعية
 ۲. نعلن للمساعدة تكون في زاوية غرفتنا فتحرق عنها غافلون
۴۱. عین ما فيه من «الحروف المشبهة بالفعل»
 ۱. ربت كلام كالحسام فقلينا أن نتأكل قبل الكلام
 ۲. كان هذا العاقل شخصاً يعجز بتجارب الآخرين
۴۲. عین نوع «لا» يختلف عن التقيية،
 ۱. الذي يحاول ليلاً و نهراً يتبع أهدافه فلا شك فيه
 ۲. أ لا تعلم أن الله هو خالق كل شيء و هو يرزقنا؟
۴۳. عین ما فيه «لا» الناقية للجنس»
 ۱. علينا أن نستشير العالم لا الجاهل.
 ۲. لا يحزنك قولهم إن العزة لله جميعاً
۴۴. عین ما فيه «لا» الناقية للجنس و «لا» الناقية معاً،
 ۱. ربنا لا نحملنا ما لا طاقة لنا به
 ۲. كل طعام لا يذكر اسم الله عليه فإنما هو داء و لا بركة فيه
۱. من الأرحح أن لا تكون في صفنا هذه المنصدة الكبيرة
 ۲. باليتني أكون صديقك و أساعدك دائماً
۱. إن المؤمن قليل الكلام. ۲. إن المؤمن قليل الكلام
۱. كأن اللون الأبيض جميل في هذا التصوير.
 ۲. نعلن الفلاحين لتقبون يوم السبت
۱. ليس الكاذبين ناجحون في أعمالهم
 ۲. أعظم أن الطمع دافع الإنسان إلى البلاد
۱. إذا شاء الله أن يضل فلا تبيل إلهادته. ۲. الناقية للجنس
 ۲. لا تجعل باطن حياتك شعاعاً لإظهار حياتهم. ۳. الناقية
۱. لا شك أن بيت الصلوة يتنى بهجاءه
 ۲. لا تحزن، إن الله عندك
۱. ما فهمت يا صديقي لم تقول ما لا تقدر أن تفعله أبداً؟
 ۲. إلتفتوا الفرصة و أدرسوا جيداً حتى لا ترسبوا في الإمتحان
- عین الصحيح لتكميل الفراغ، «لا تحزنن يا صديقي» ————— الله معنا في جميع الأمور»
 ۱. إن ۲. ليت
۱. لا فخر أشد من الجهل و لا عبادة مثل التفتير.
 ۲. لا يرحم الله من لا يرحم الناس
۱. سلمت على صديقي لا على جميع الحاضرين
 ۲. العالم بلا عقل كشجرة لا يمتاز لهده
۱. إن المؤمن الذي يصلي خائفاً فائزاً في الآخرة
 ۲. كأن التمثال الذي وضع في مركز المدينة إنساناً
۱. لا تفضت فإن الغضب فتندم
 ۲. آيات الله في الأرض كثيرة و لكن أكثرهم لا يعقلون
۱. هل تعرف طريقاً للوصول إلى النجاح سوى المحاولة؟
 ۲. هذا الكتاب صغير و لكنه يضم موضوعات رائعة
۱. كانت هذه الموجات ترسل من أعماق البحار
 ۲. كأن هذا الحيوان شاعر يعشق جمال الطبيعة
۱. كيف تنتظر مساعدة الآخرين عندما لا تساعدهم أبداً؟
 ۲. الذي لا يعقل جيداً لن يرى النجاح في حياته
۱. يا أيها الناس إن أباكم واحد و لا فضل لعربي على عجمي
 ۲. لا يرحم الله من لا يرحم الناس
۱. لا فخر كالجهل و لا ميراث كالأدب.
 ۲. لا بأس و لكني لا أقدر أن أجيب سؤالاتك حول هذا الموضوع

۵۵. عین المضارع یترجم مختلفاً عن الباقی:

۱. لیثنی أعبثت فی هذه المدينة الجميلة.
۲. ولیدکر إبراهيم الذي حاول أن ینفذ قومه من عبادة الأصنام.
عین الصحیح حسب التوضیحات:

۱. إن التمس لأفارة بالشمه إلا ما زجتم رتی. (أفارة اسم المبالغة / المجرور بحرف الجر)
۲. إن ربك أعلم بمن ضل عن سبيله. (أعلم: الفعل المضارع / خبر إن)
۳. وتلكم كنتم لا تعلمون. (لا تعلمون: فعل التکفي / خبر كنتم)
۴. إنا جعلناه قرآناً عربياً لعلکم تفقهون. (إعراب: نداء على الترتیب: اسم إن، الفاعل)

۵۷. عین الصحیح عن خبر الأفعال الناقصة:

۱. يأتي لغو كانت شيميل تقرأ الأدعية الإسلامية (الأدعية)
۲. كان الله بما تعملون خبيراً (تعملون)

۵۸. عین نوع دلاء لا يؤثر على إعراب ما بعده:

۱. لا بأس ولكن لا أعطيتك أميبيلين.
۲. لا شيء أثقل في الميزان من الحلق الحشن.

۵۹. عین ما ليس فيها دلاء من نوعين اثنين:

۱. لا تغتروا بصلاتهم ولا يصيامهم.
۲. لا نظلموا الآخرين قبل أن يأتي يوم لا إنسان قادر على عمل

۶۰. عین الخطأ في وصف عمل الحروف المطلوبة:

۱. ليت الأولاذ يحترموا الأولاذ دائماً. (تستعملان لبيان التمثلي)
۲. أعلم أن الله محبوب الدعوات. (يربط بين الجملتين)

۶۱. ما هو الصحیح؟

۱. إن العلماء عالمون بمصالحهم.
۲. ليس التلاميذ عالمون بمستقبلهم.

۶۲. ميم العبارة التي لم يهدف فيها خبر دلاء النافية للجنس:

۱. لا إله إلا الله.
۲. لا إيمان يمد مع سوء الظن.
عین الخطأ فيما يلي:

۶۳. لا يأسن أجمل من العافية

۱. كانت العافية أجمل لباسي.
عین الصحیح عن دلاء النافية للجنس:

۶۴. عندما ذهبت إلى المكتبة رأيت لا في المكتبة أحد:

۱. لا عصفور على فسيان الأشجار قرب بيتي.
عین دلاء النافية للجنس:

۶۵. الذي لا يعمل بجد لن يرى التجاح في حياته:

۱. يجب أن نعرف بأنه لا تلح في مجالسة الجهال.
عین الصحیح في ضبط الحركات:

۶۶. أيها الناس أختنوا إن الله يحب المحسنين:

۱. الثماس غنصر فلزق كالتحديد توهل للحرارة والكهرباء.
عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

۶۷. إخواني وأخمي بلاي من شرو الحاديات:

۱. الأناز القديمة تؤكده إهتمام الإنسان بالدين.
عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

۶۸. طم الناس أن إبراهيم هو الفاعل فأخضروه للمحاكمة:

۱. الإذادت هذه الخرافات في أديان الناس على عز العشور.
عین الصحیح في ضبط حركات الكلمات:

عین الصحیح في ضبط الحركات:

۱. أيها الناس أختنوا إن الله يحب المحسنين.
۲. الثماس غنصر فلزق كالتحديد توهل للحرارة والكهرباء.
عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

۱. طم الناس أن إبراهيم هو الفاعل فأخضروه للمحاكمة.
۲. الإذادت هذه الخرافات في أديان الناس على عز العشور.

۱. لعل أخني تسافر في الأسبوع القادم.

۲. إن الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفاً.

۱. كان الرجل يمشي متحيراً على الأرض. (متحيراً)

۲. ليس في هذا البيت مصباح. (في هذا)

۱. لا ثق ما ليس لك به علم.

۲. هؤلاء الزائرك لا يسافرون إلا بالطائرة.

۱. إن لا تجتهدوا في حياتكم لا تنجحوا في حياتكم.

۲. أ لا تعلمون لا فقر كالجهد ولا مبراه كالأدب.

۱. لعل الشاعة قريب. (يرفع لرفع الإبهام)

۲. إن الإنسان لفي خسر. (تؤكد الجملة)

(سراسری تهری ۷۷)

۱. كان مقاتلونا عالمين بمسير حياتهم.

۲. ليت المتكاسلون عالمين بمضار التكاسل.

(سراسری اتقان ۷۸)

۱. لا سيف إلا ذو الفقار.

۲. لا قس إلا علي.

(سراسری اتقان ۷۹ با التکی تغییر)

۱. إن العافية أجمل لباسي.

۲. ليت العافية أجمل لباسي.

(سراسری اتقان ۸۰)

۱. لا الكتاب على المتشدة بعد ذهابت.

۲. هذا اليوم لا ضيوفنا في البيت.

(سراسری اتقان ۸۱ با التکی تغییر)

۱. سلمت على صديقي لا على جميع الحاضرين.

۲. إن أخاه لا يدرس في البيت. بل في المدرسه.

سیدلوری

سؤال های ضبط حركات گونه ای از سؤال های تستی است که بر اساس قرائت صحیح کلمات طراحی می شود. برای پاسخگویی صحیح به این نوع سؤال لازم است به وزن کلمات و شیوه درست خواندن آنها توجه کنید. در فعل ها، وزن باب ها در ماضی، مضارع، امر و مصدر آنها و همچنین معلوم یا مجهول بودن فعل مورد اهمیت است. در اسم ها وزن کلماتی مانند اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم تفضیل و یا نحوه قرائت صحیح مفرد و جمع یک اسم از موارد مهم در چنین سؤال هایی هستند.

عین الصحیح في ضبط الحركات:

۱. ثل طعام لا تذکر اسم الله عليه. قائما هو داء.
۲. كأن المشتري متزدد في شراء البضاعة. ولكن البائع عازم على تبعها.

عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

۱. لنا رجع الناس شاقداً أشانهم متشرد.
۲. حدتنا القرآن عن سيرة الأنبياء مع أقوامهم الكافرين.

عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

۱. إنما تليد إبراهيم الشهير له بأشوانه.
۲. هل تراهم خيلوا من يسه أم حديد أم نحاس أم ذهب.

۱- تفاوت این نوع سؤال با سؤال تشکیل در نظام قدیم این است که در سؤال های تشکیل، توجه اصلی بر اعراب کلمه یا توجه به نقش کلمه در جمله و همچنین انواع اعراب بود ولی در این نوع از سؤال توجه اصلی بر نحوه قرائت کلمه و وزن کلمه است.

سوالات چهارگزینه‌ای

- عَيْنَ الْأَضْحَى وَالْأَذَى فِي التَّرْجُمَةِ لِأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:
۶۹. «قُلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ دَاءَكُمْ بَيْنَكُمْ وَ لَكُمْ لَمْ تَشْعُرُوا»
۱. آیا می‌دانید که درد شما از خودتان است و شما احساس نمی‌کردید. ۲. آیا می‌دانید بی‌گمان درد شما از خود شما است، ولی شما نفهمیده‌اید. ۳. آیا دانسته‌اید مسلماً درد شما از خودتان است و شما درک نمی‌کنید. ۴. بی‌بینا نعیش بقدره لِأَنَّ تَطَلَّبَ حَيَاةً طَيِّبَةً.
۷۰. ۱. ای کاش ما با قدرت زندگی کنیم. برای این که ما زندگی پاک را طلب می‌کنیم. ۲. ای کاش ما با قدرتمندی زندگی می‌کردیم؛ زیرا ما طالب یک زندگی پاک بودیم. ۳. شاید ما با قدرت زندگی کرده باشیم؛ زیرا قطعاً زندگی پاک را طلب می‌کردیم. ۴. امیدواریم که با قدرتمندی زندگی کنیم؛ زیرا بی‌گمان زندگی پاک را طلب می‌کنیم.
۷۱. «قُلْ الْإِنْسَانُ يُجَاهِزُ بِجَنَاحَيْهِ الْإِنْتِنِ وَ هَذَا الْجَنَاحَانِ، الْعِلْمُ وَ الدِّينُ.»
۱. ای کاش انسان به دو بال مجهز شود و این دو بال‌های علم و دین هستند. ۲. امید است که انسان به دو بال مجهز شود و این دو بال علم و دین است. ۳. شاید انسان با دو بال تجهیز می‌شود و این دو بال‌های علم و دین می‌گردند. ۴. گویی که انسان به دو بال مجهز شده است و این دو بال علم و دین او هستند.
۷۲. «لَا سِيَّارَةَ فِي هَذَا الشَّارِعِ وَ لَا نَسْتَطِيعُ الْحُضُورَ فِي الْإِمْتِحَانِ»
۱. ماشینی در خیابان نیست و ما امکان حضور در امتحان را نداریم. ۲. هیچ ماشینی در این خیابان نبود و ما نمی‌توانستیم در امتحان حاضر شویم. ۳. ماشین در این خیابان نیست و ما نمی‌توانیم در امتحان حاضر شویم. ۴. هیچ ماشینی در این خیابان نیست و ما نمی‌توانیم در امتحان حضور باییم.
۷۳. «كَأَنَّ الْإِنْسَانَ جَرْمٌ صَغِيرٌ وَ فِيهِ كَأَنَّ قَدَ انْطَوَى الْعَالَمَ الْأَكْبَرِ»
۱. انسان جرم کوچکی بود و در او جهان بزرگی به هم پیچیده است. ۲. مثل این که انسان بیکر کوچک است و در او بزرگ‌ترین دنیا به هم پیچیده بود. ۳. گویا انسان جرم کوچکی است و در او دنیای بزرگی به هم می‌پیچد. ۴. گویا انسان بیکر کوچکی است و در او جهان بزرگ‌تر به هم پیچیده بود.
۷۴. «كُلُّ طَعَامٍ لَا يَذْكَرُ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ هُوَ دَاءٌ وَ لَا بَرَكَةَ لَهُ»
۱. همه غذایی که نام خداوند بر آن یاد نشود بدون شک دردی است و بی‌برکت است. ۲. همه غذاهایی که اسم خدا را بر آن یاد نکنی بدون شک درد است و برکتی ندارد. ۳. هر غذایی که نام خداوند بر آن یاد نشود قطعاً درد است و هیچ برکتی ندارد. ۴. هر غذایی که اسم خدا را بر آن یاد نکنی قطعاً درد است و برایش برکتی وجود ندارد.
۷۵. «بَيْنَمَا تَعْلَمُ أَنَّ دَوَاغَنَا فِينَا وَ نَحْنُ مَا نُبَيِّضُ إِلَيْهِ وَ دَاوَاتَا مَنَا وَ نَحْنُ لَا تَشْعُرُ بِهِ»
۱. ای کاش می‌دانستیم که داروی ما در ماست و توجه نمی‌کنیم و درد هم از ماست و آن را احساس نمی‌کنیم. ۲. ای کاش بدانیم که داروی ما در ماست و به آن نمی‌نگریم و دردمان از ماست و ما آن را احساس نمی‌کنیم. ۳. ای کاش می‌دانستیم که دارویمان با ماست و آن را نمی‌بینیم و داروی ما از ماست و احساس نمی‌کنیم. ۴. ای کاش بدانیم که داروی ما در خود ماست و به آن نگاه نمی‌کنیم و درد ما از ماست و ما احساس نمی‌کنیم.
۷۶. «بَيَّتَ الْمَسْلِمِينَ اسْتَيْقَافُوا مِنْ تَوَمِ الْغَفْلَةِ وَ اتَّجَهُوا إِلَى تَعْلَمِ الْعِلْمِ وَ مَا طَلَبُوا بِهِ تَدَلُّاً»
۱. ای کاش مسلمانان از خواب غفلت بیدار می‌شدند و به یادگیری دانش روی می‌آوردند و جانشینی برایش نمی‌خواستند. ۲. ای کاش مسلمانان از خواب بی‌خبری بیدار شده بودند و به یادگیری دانش روی می‌آوردند و جانشینی برای او نخواهند خواست. ۳. ای کاش مسلمانان از خواب بی‌خبری بیدار می‌شدند و به یاد دادن علم روی می‌آوردند و چیزی به جایش می‌خواستند. ۴. ای کاش همه مسلمانان از غفلت بیدار می‌شدند و به یاد دادن علوم توجه می‌کردند و جانشینی به جای او نمی‌خواستند.
۷۷. «لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا» عَيْنَ الْخَطَأِ
۱. به جز چیزی که به ما آموختی، هیچ دانشی نداریم. ۲. علمی نداریم مگر این که تو آن را به ما بیاموزی. ۳. برای ما هیچ دانشی به جز آن‌چه به ما آموزش دادی، نیست. ۴. ما را هیچ علمی نیست، جز آن‌چه تو به ما یاد دادی.
۷۸. «إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ»
۱. قطعاً خداوند بر مردم دارای بخشایش است، ولی بیشتر مردمان شکرگزار نیستند. ۲. بدون شک الله نسبت به مردم صاحب فضل است، ولیکن اغلب آن‌ها سپاسگزار نیستند. ۳. بی‌گمان خداوند دارای بخشایش بر مردمان است، اما بیشترین آن‌ها سپاس نمی‌گذارند. ۴. بدون تردید الله صاحب فضل و بخشش است بر مردم، ولیکن اکثر مردم شکرگزاری نمی‌کنند.

۷۹. **«إِنَّ الْإِنْسَانَ الَّذِي خُلِقَ مِنَ الطِّينِ وَ لَهُ جِرمٌ ضَغِيرٌ، إِنظُوى فِيهِ عَالَمٌ أَكْبَرٌ لَا نَهَاةَ لَهُ.»**
 ۱ بی شک انسانی را که از خاک آفریدند و به او جسمی کوچک دادند، عالمی بزرگ در او پیچیده شده است که بی نهایت است.
 ۲ همانا این انسانی که آفرینش از خاک بوده و پیکری کوچک دارد، عالمی بزرگتر را در خود جای داده که هیچ پایانی برای آن نیست.
 ۳ بی شک انسانی را که از گل آفریدند و جسمی کوچک دارد، در او جهانی بزرگ نهفته است که پایانی برای آن وجود ندارد؟
 ۴ بی گمان انسانی که از گل آفریده شده است و پیکری کوچک دارد، در او جهانی بزرگتر به هم پیچیده شده که هیچ نهایی ندارد؟
۸۰. **«يُنكسِرُ كُلُّ الْأَصْنَامِ الْمَوْجُودَةِ فِي نَفْسِنَا لِئَنذُرَ صِرَاعَ الْأَنْبِيَاءِ مَعَ الْكَافِرِينَ.»**
 ۱ باید همه بت‌های موجود در خودمان را بشکنیم، تا نزاع و درگیری پیامبران را با کافران درک کنیم.
 ۲ برای این که نزاع و درگیری پیامبران را با کافران به یاد آوریم، باید همه بت‌های موجود در خودمان را بشکنیم.
 ۳ برای این که همه بت‌های موجود در خودمان را بشکنیم، باید نزاع و درگیری پیامبران را با کافران به یاد آوریم.
 ۴ تا همه بت‌های موجود در خودمان را بشکنیم، نزاع و درگیری پیامبران را با کافران درک می‌کنیم.
۸۱. **«قَدْ أَظُنُّ أَنَّ الذَّهْرَ لَا يُرِيدُ أَنْ يَسْمَعَ لِي أَنْ أَصِلَ إِلَى أَهْدَافِي وَ لَكِنَّ الذَّهْرَ لَا ذَنْبَ لَهُ.»**
 ۱ خیال کردم که روزگار نمی‌خواهد که من به اهدافم برسم؛ اما روزگار هیچ گناهی ندارد.
 ۲ گاهی خیال می‌کنم روزگار اجازه نمی‌دهد که من به هدفم برسم؛ اما این گناه روزگار نیست.
 ۳ بعضی وقت‌ها می‌پنداشتم که روزگار اراده کرده است که من به هدف‌هایم نرسم؛ اما هیچ گناهی برای روزگار نیست.
 ۴ گاهی می‌پندارم که روزگار نمی‌خواهد اجازه بدهد که من به اهداف خود برسم؛ اما روزگار هیچ گناهی ندارد.
۸۲. **«إِنَّ هَذِهِ الْأَصْنَامَ الَّتِي كُنْتُمْ تَتَفَخَّرُونَ بِعِبَادَتِهَا لَا قِيمَةَ لَهَا لِأَنَّهَا عَاجِزَةٌ عَنْ قِضَاءِ حَاجَاتِكُمْ.»**
 ۱ به راستی این بت‌هایی که به پرستیدن‌شان افتخار می‌کنید ارزشی ندارند چون از برآوردن نیازهای شما ناتوان هستند.
 ۲ این‌ها بت‌هایی هستند که به پرستیدن‌شان افتخار می‌کردید در حالی که بی‌ارزش هستند چون از تأمین نیازهای خود ناتوانند.
 ۳ این بت‌هایی که به عبادت‌شان افتخار می‌کردید، هیچ ارزشی ندارند چون از برآوردن نیازهای خود ناتوان هستند.
 ۴ این بت‌ها که آن‌ها را با افتخار می‌پرستیدید هیچ ارزشی ندارند؛ زیرا نمی‌توانند نیازهای خود را برآورده سازند.
۸۳. **«لَا شَيْءَ كُنَّا نُرِيدُ إِلَّا السَّكِينَةَ، فَلِهَذَا خَالَقْنَا الْقَدُوءَ.»**
 ۱ هیچ چیزی نمی‌خواستیم، مگر آرامش، به همین خاطر دشمن با ما مخالفت کرد.
 ۲ هیچ چیزی جز آرامش نمی‌خواهیم، برای همین دشمن با ما مخالفت کرده است.
 ۳ ما چیزی جز آرامش نمی‌خواستیم، بنابراین دشمنان با ما به مخالفت برخاستند.
 ۴ دشمن به این دلیل با ما مخالفت می‌کرد که ما فقط آرامش می‌خواستیم.
۸۴. **«إِنَّ قَلْبِي مَطْمَئِنٌّ اطمِئناناً تَاقِئاً لِأَنَّ مَحَاوَلَاتِي كُلَّهَا كَانَتْ مِنَ الْبِدَايَةِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.»**
 ۱ قطعاً دل من از ابتدا کامل اطمینان داشت، چه جمیع تلاش‌های من در طریق الله می‌باشد.
 ۲ قطعاً قلب من کاملاً اطمینان دارد، زیرا تمام کوشش‌های من از آغاز برای خدا بوده است.
 ۳ همانا دلم کاملاً مطمئن است، زیرا همه تلاش‌هایم از ابتدا در راه خدا بوده است.
 ۴ همانا قلبم از آغاز کاملاً یا اطمینان بود، چه کل کوشش‌هایم برای الله می‌باشد.
۸۵. **«إِنَّ الْمَوَادَّ الغذائية تؤثر في قدرة الجسم و العقل، و يُبعدنا عن كثير من الأمراض.»**
 ۱ مواد غذایی در قدرت بخشیدن به بدن و فکر تأثیر گذار است و ما را از بسیاری امراض دور خواهد کرد.
 ۲ مواد مغذی در توانمندسازی بدن و فکر مؤثر است و ما را از بیماری‌های کثیری دور نگه می‌دارد.
 ۳ مواد غذایی بر توانمندی جسم و عقل تأثیر می‌گذارد و ما را از بسیاری از بیماری‌ها دور می‌کند.
 ۴ مواد مغذی در توانایی جسم و عقل اثرهایی دارد و ما را از مریضی‌های متعددی دور می‌کند.
۸۶. **«كَلِمَةٌ خَيْرٌ تَقِيدُ، أَفْضَلُ مِنْ كِتَابٍ لَا فَائِدَةَ لَهُ.»**
 ۱ کلمه خوب پرفایده، بهتر از آن کتابی است که فایده‌ای به کسی نرساند.
 ۲ سخن نیکی که تو از آن بهره ببری، برتر است از کتابی که هیچ فایده‌ای نرساند.
 ۳ یک کلمه خوب که مفید باشد، بهتر از کتابی است که هیچ فایده‌ای نداشته باشد.
 ۴ یک سخن نیک که فایده‌ای برساند، بهتر از آن کتابی است که فایده‌ای در آن نباشد.
۸۷. **«يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ.»**
 ۱ الله مثال‌هایی برای مردم می‌زند، شاید پند بگیرند.
 ۲ خداوند مثالی برای مردم زده است، باشد که متنبه شوند.
 ۳ خداوند مثالی برای مردم زده است، باشد که عبرت بگیرند.
۸۸. **«لَا دِينَ لِلْمَثَلُونَ و إِنَّ أَلْفَاكَ فِي الْخَطَا و تَظَاهِرُ بِكَمَالِ دِيانتِهِ.»**
 ۱ کسی که چند رنگ است دینی ندارد حتی اگر به بی‌نقصی خود تظاهر کند و تو را به اشتباه بیفتاند.
 ۲ هیچ دینی ندارد آن کس که دو رنگ است و به کمال دین داریش تظاهر کرده باعث اشتباه تو شود.
 ۳ انسان دو رو هیچ دینی ندارد اگر چه تو را به اشتباه بیفتاند و به کامل بودن دیانتش تظاهر کند.
 ۴ آن که دو رو است دین ندارد هر چند ظاهری با دین و بی‌نقص نشان دهد و تو را به خطا اندازد.

(مراصری زبان ۹۳)

(مراصری زبان ۹۳)

(مراصری ریاضی ۹۱)

(مراصری تهری ۹۳)

(مراصری هنر ۹۲)

(سراسری تهری ۹۳)

۹۸. **الفرض الذّهیة تحصل لجميع الناس، ولكنّ التاجحین هم الذّین یقتصونها،**

- ۱ فرصت‌هایی طلایی وجود دارد که برای همه مردم پیش می‌آید، ولی تنها پیروزمندان هستند که موفق به شکار آن‌ها می‌شوند
- ۲ فرصت‌های طلایی برای تمامی مردم حاصل می‌گردد، ولی انسان‌های موفق همان کسانی هستند که آن‌ها را شکار می‌کنند
- ۳ فرصت‌های زرّین برای همه انسان‌ها حاصل‌شدنی است، اما تنها افراد پیروز هستند که شکارش می‌کنند
- ۴ برای تمامی مردمان فرصت‌های زرّین به دست می‌آید، ولی فقط افراد موفق به شکار آن نایل می‌شوند

(سراسری تهری ۹۳)

۹۹. **«كنت أحسن أن الحياة سوف تُمرّ بي بصعوبة كثيرة مع فقدانها.»**

- ۱ حس کرده بودم زندگی با عدم وجود او بر من خیلی سخت می‌گذرد.
- ۲ حس می‌کردم یا فقدان او زندگی جداً با من به دشواری رویه‌رو خواهد شد.
- ۳ احساسم این بود که زندگی بر من بسیار دشوار سپری خواهد شد با نبود او.
- ۴ احساس می‌کردم که با از دست دادن او زندگی بسیار سخت بر من خواهد گذشت.

(سراسری زبانی ۹۳)

۱۰۱. **«یبتی کنت قد تعلّمت منك أن لا أحزن علی كلّ أمر مكرهه أواجهه، و لو كان كبيره.»**

- ۱ کاش از تو آموخته بودم که بر هر امر ناپسندی که با آن مواجه می‌شوم شگین نگردم. اگر چه بزرگ باشد.
- ۲ شاید از تو آموخته باشم که به‌خاطر هر آن‌چه از ناپسندی‌ها به من برسد حتی اگر بزرگ باشد، ناراحت نباشم.
- ۳ کاش محزون نشدن را بر هر امر ناملاّیمی که با من مواجه می‌شود از تو یاد می‌گرفتم، ولو بزرگ باشد.
- ۴ شاید غم نخوردن را برای آن ناخوشایندی که به من خواهد رسید با وجود بزرگ بودن از تو بیاموزم.

(سراسری علم ۹۳)

۱۰۲. **«إنّ الناس فی مسیرهم نحو أهدافهم السامیة یفتشون عن نماذج مثالیة لیجعلوهم أسوة لأنفسهم.»**

- ۱ قطعاً مردم در مسیرشان به طرف هدف‌های عالی خویش در جست‌وجوی نمونه‌هایی والا برای الگوی خود می‌باشند.
- ۲ بی‌شک مردم در مسیر خود به سوی اهداف عالی خویش به دنبال نمونه‌هایی ممتاز می‌گردند تا آن‌ها را الگویی برای خود قرار دهند.
- ۳ قطعاً افراد مردم در مسیر خویش به سوی هدف‌های والا در جست‌وجوی نمونه‌هایی عالی می‌باشند تا چون الگوهای برتر برای آن‌ها باشند.
- ۴ مردم در مسیر حرکت خود به سمت اهداف والاّی خویش به دنبال نمونه‌های ممتازی می‌گردند، تا آن‌ها را برای خود چون یک الگو قرار دهند.

فرضیه‌ها و عبارتی

۹۳. **عیّن الصّحیح.**

- ۱ لا یلمّ لنا إلا ماقلّتنا أسألنا العالّی: علم از آن ما نیست مگر آنچه از استاد دانشمندان آموختیم.
- ۲ لیت آیام القطلّة طویلة لأنّی أریّد أن أستریح، شاید روزهای تعطیل طولانی شوند بی‌گمان من نیاز به استراحت دارم.
- ۳ کأنّ البایع یُرید أن یتبع هذا القمیص، فروشنده می‌خواست پیراهن را بفروشد.
- ۴ تعلّی العطلات یعاهدون أسألهم علی أنّ لا ینکذبوا، امید است که دانش‌آموزان با استادشان پیمان ببندند که دروغ نگویند.

۹۴. **عیّن الصّحیح.**

- ۱ تشغّر جذتی بألم شدید فی رجلها ولكنّها لا تراجع الطّیب، مادر بزرگم احساس درد شدیدی دارد، ولی به پزشک مراجعه نمی‌کند.
- ۲ أقوم بالاستفادة من الحبوب المسکنة لأنّ لی صداعاً شدیداً، از استفاده از قرص مسکن پرداختم، زیرا سردرد شدیدی دارم.
- ۳ لا تعجل فی معاتبة المذنب لعلّ الله یُرید أن یغفر ذنبه، در سرزنش گناهکار شتاب نکن شاید خداوند بخواد گناه او را ببامزد.
- ۴ فلما رأى القوم عدالة الملك طلبوا البقاء تحت رايته، قوم وقتی عدالت پادشاهشان را دیدند ماندن در زیر پرچم او را خواستند.

۹۵. **عیّن الصّحیح.**

- ۱ لا ینفدّ الیأس فی قلب العبد الصّالح: هیچ یاسی در دل بنده صالح نفوذ نمی‌کند.
- ۲ یمّ لا یهتّم المشتهرون منکرّة المشتهرین بهم، چرا مسخره‌کننده‌گان به شأن و منزلت مسخره‌شوندگان توجه نمی‌کنند؟
- ۳ قد تعلّمت أختی أنّ لا تشتغلّ فی معاتبة المذنب، به خواهرم یاد دادم که در سرزنش کردن گناه‌کار نباید عجله کند؟
- ۴ لا شابّ إلا أنّ ینافع عن الوطن فی الحرب القروضه، هیچ جوانی وجود ندارد که در جنگ تحمیلی از وطنش دفاع نکند.

(سراسری تهری ۹۳)

۹۶. **عیّن الصّحیح.**

- ۱ قبل کلّ شیء ینعتمد القدرة علی العقل، قدرت قبل از هر چیز بر عقل تکیه دارد.
- ۲ تعلم کثیراً من الأشياء و لكنّها لیست فی ذاکرتنا، با این‌که خیلی چیزها را می‌دانیم، ولیکن آن‌ها را به یاد نمی‌آوریم.
- ۳ إنّ الأسرة مؤثّرة کثیراً فی تریة ابناءها بلا شكّ بدون تردید خانواده‌ها تأثیر فراوانی در تربیت فرزندان‌شان خواهند داشت.
- ۴ کیف قدرت أن تحفظ اوردة فی غضاضة فی هذا الجوّ الحارّ: در این هوای گرم چگونه توانستی گل را تازه نگاه‌داری.

۹۷. **عیّن الخطأ.**

- ۱ لا تُفکر فی هذا الموضوع أبداً بأننا ماذا لا نملك، هرگز نباید به این موضوع بیندیشیم که چه نداریم.
- ۲ و تعلمّ لا مشكلة قادرة أن یحني الإنسان أمام الصّعوبات، و می‌دانیم که مشکل قادر نیست انسان را مقابل سختی‌ها خم کند.
- ۳ إنّ الحیاة دقائق و ثواب و لا یبغی التبرور و لا الحزن، قطعاً زندگی دقیقه‌ها و ثانیه‌هاست و شادی و اندوه باقی نمی‌ماند.
- ۴ ولكن التصدق صفة جميلة و لا شیء أجمل منها، ولی راستگویی ویژگی زیباست و هیچ چیز زیباتر از آن نیست.

۹۸. عین الخطأ:

- ۱ لعن صديقي الحنون يقبل دعوتي للحضور في الحفل: شاید دوست مهربانم دعوت مرا برای حضور در جشن بپذیرد.
- ۲ حاسبوا أعمالكم في نهاية كل يوم حتى تتقدموا कारهایتان را در پایان هر روز محاسبه کنید تا پیشرفت کنید.
- ۳ إنا نحن نزلنا عليك القرآن، قطعاً ما قرآن را بر تو فرود آورده‌ایم.
- ۴ ليت التلميذ المشاغب استمع إلى كلام المعلم بدقة: ای کاش دانش آموز اخلال‌گر به سخن معلم با دقت گوش فرا دهد.

۹۹. عین الخطأ:

- ۱ لعن والدك يشارك في حفلة تخروجي الخميس المقبل: شاید پدرت پنج شنبه آینده در جشن دانش‌آموختگی‌ام شرکت کند.
- ۲ لا تحرم علي أنفسنا أبداً ما أحلله الله: نباید هرگز آنچه را که خداوند آن را حلال کرده است، بر خودمان حرام کنیم.
- ۳ هل تعلمون يا إخواني أن ليلة القدر خير من ألف شهر: ای برادران من، آیا می‌دانید که شب قدر بهتر از هزار شب است.
- ۴ ليتني نجحت في امتحان الفيزياء، لأنه كان ضعيفاً جداً: کاش من در امتحان فیزیک قبول می‌شدم، زیرا آن واقعا سخت بود.

۱۰۰. عین الخطأ:

- ۱ دواءنا فينا ونحن ما نبيصره: درمان ما در خود ماست و ما آن را نمی‌بینیم.
- ۲ و دأبنا أيضاً ميتاً ونحن لا نشعرُ به: و درد ما نیز از خود ماست و ما آن را احساس نمی‌کنیم.
- ۳ أنتم تزعجوننا أننا جرم صغير جداً: آیا گمان می‌کردید که ما بیکری بسیار کوچک هستیم.
- ۴ و فينا إنطوى عالم أكبر، و در حالی که جهانی بزرگ در ما پیچیده شده است.

۱۰۱. عین الخطأ:

- ۱ لا طفل في هذه الحفلة لأن كل الشيوخ من العلماء: هیچ طفلی در این جشن نیست برای این که همه مهمان‌ها از دانشمندان هستند.
- ۲ أنت تدرسين في هذه الجامعة؟ لا، لكنني أدرس في جامعة أخرى: آیا تو در این دانشگاه درس می‌خوانی؟ نه، ولی من در دانشگاه دیگری درس می‌خوانم.
- ۳ ذلك كتاب لا زلت في صديقي كتوباته: آن کتابی است که در درستی نوشته‌هایش تردید ندارم.
- ۴ يا بخرتك قول الجاهل و اعلمي أن الله لا يحب الجاهلين: گفتار نادان تو راשמگین نکند و بدان که خداوند نادانان را دوست ندارد.

یادگیری سؤال تعریب از اهداف کتاب‌های درسی نظام جدید نیست، ولی از آن‌جایی که در کنکور سراسری سال ۹۸ نمونه‌ای از این نوع سؤال در همه رشته‌ها داده شده بود، بهتر است با این نحوه سؤال نیز آشنا شوید. روش یادگیری این نوع سؤال تفاوتی با ترجمه‌های تک عبارتی ندارد.

۱۰۲. عین الصحيح في التعريب:

- «آیا می‌دانی چرا نتوانستم درس‌های بسیاری از کتاب عربی را یاد بگیرم»
- ۱ آ تعلمین لماذا لا أستطيع أن أتعلّم دروساً كثيرة من الكتاب العربيّ.
 - ۲ هل تعلم لماذا لم أستطيع أن أتعلّم الدرّس الكثير من الكتاب العربيّ.
 - ۳ آ تعلم لماذا لا أستطيع أن أتعلّم الدروس الكثير من الكتاب العربيّ.
 - ۴ هل تعلمین لماذا لم أستطيع أن أتعلّم دروساً كثيرة من الكتاب العربيّ.

۱۰۳. دانش‌آموزان کلاسی ما موفق شدند در امتحانات پایان سال بهترین نتایج را به دست آورند»

- ۱ تجحوا تلاميذ صُنّا أن يحصلوا على النتائج الحسنة في امتحانات نهاية السنة.
- ۲ طلاب صُنّا تجحوا أن يحصلوا على أحسن النتائج في امتحانات نهاية السنة.
- ۳ طالبات صُنّا تجحوا أن يحصلوا على أحسن النتائج في الامتحانات نهاية السنة.
- ۴ تجحّن طالبات صُنّا أن يحصلن على أحسن النتائج في امتحانات نهاية السنة.

آزمون سطح متوسط درس اول

آزمون

الف. مهارت واژه‌شناسی:	
(۲ نمره)	
(۰.۵)	<p>۱۰۴. ترجمه کلماتی التي تحتها خط.</p> <p>(۱) بحثت عن معني الغتارة في المعجم. —————</p> <p>(۲) إن الله لا يضيع أجر المحسنين. —————</p>
(۰.۵)	<p>۱۰۵. اكتب في الفراغ الكلمتين المترادفتين و الكلمتين المتضادتين. (كلمة زائدة)</p> <p>(الحفلة / الداء / البضاعة / الصحة / الاحتفال)</p> <p>(۱) ————— = —————</p> <p>(۲) ————— ≠ —————</p>
(۰.۵)	<p>۱۰۶. عين الكلمة الغريبة في التعلني.</p> <p>(۱) المشتري - المتردد - البضاعة - السيرام - البنيغ. —————</p> <p>(۲) أجمل - خير - أغني - أبيض - أقل. —————</p>
(۰.۵)	<p>۱۰۷. اكتب مفرد أو جمع الكلمتين.</p> <p>الجرم: —————</p> <p>الجلود: —————</p>

ب. مهارت ترجمه به فارسی	
(۷ نمره)	
(۰)	<p>۱۰۸. ترجم الجمل التالية إلى الفارسية.</p> <p>(۱) (إن الله لذو فضل على الناس ولكن أكثر الناس لا يشكرون) ۰/۷۵</p> <p>—————</p> <p>(۲) داؤنا فينا و لا تنظرن إليه ؛ داؤنا مئا و لا تشقرن به ۱</p> <p>—————</p> <p>(۳) أ تعلمون أنكم خيلتم من طين و أنطوى فيكم العالم الكبير ۰/۷۵</p> <p>—————</p> <p>(۴) ليت فريقهم فائز في مسابقة كرة المنضد ۰/۵</p> <p>—————</p> <p>(۵) لا عزة إلا لله و لا عمل أنفع من مساعدة الآخرين. ۰/۵</p> <p>—————</p> <p>(۶) لن تجتمع في المؤمن خصلة البخل و الكذب. ۰/۵</p> <p>—————</p> <p>(۷) (كل طعام لا يذكر اسم الله عليه قانما هو داء و لا برزخه فيه) ۱</p> <p>—————</p>
(۰.۵)	<p>۱۰۹. إنتخب الترجمة الصحيحة.</p> <p>الف) آسمان را سفلی نگه داشته شده قرار دادیم.</p> <p>ب) آسمان را سفلی نگه دارنده قرار دادیم.</p> <p>الف) کاش همه شهرهای کشورم را می دیدم!</p> <p>ب) کاش همه شهرهای کشورم را بینم!</p>
(۰.۵)	<p>۱۱۰. قتل الفراغات في الترجمة الفارسية.</p> <p>(۱) بعض العناصر كالتحاس فوقل للحرارة بعضی عناصر همچون ————— ؛ برای گرما هستند.</p> <p>(۲) قد أفلح المؤمنون الذين هم في صلاتهم خاشعون مؤمنان ————— ؛ همانان که در نمازشان ————— هستند.</p> <p>(۳) يا أيها الرسول لا تحزنك الذين يسارعون في الكفر. أي پیامبر، کسانی که در کفر ————— تو را ————— .</p>

ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد	
(۷/۵ نمره)	
(۱)	<p>۱۱۱. ترجمه کلماتی التي تحتها خط.</p> <p>(۱) هل تراهم خيلقوا من فسيه. —————</p> <p>(۲) لا تغشبت إن الغشبت ففسدة. —————</p> <p>(۳) كآتهم الياقوت و المرجان —————</p> <p>(۴) ليت صديقتي ابتعدت عن الكسل. —————</p>
(۱)	<p>۱۱۲. عين اسم الحروف المشبهة بالفعال و غيرها؛ ثم اذكر إعرابهما.</p> <p>كأن إرضاء جميع الناس غاية لا تدرك. —————</p> <p>—————</p>

١١٣. عَيْنَ اسْمٍ لَا التَّائِيَةَ لِلْجِنْسِ وَ خَبْرَهُ
لا تَمْتَزَّ أَغْنَى مِنَ التَّائِيَةِ. _____
١١٤. تَرْجِمَ مَا أَشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّهِ، ثُمَّ عَيَّنَ تَوْعَةً لَا فِيهِ
(١) قَالُوا لَا يَعْلَمُ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ.
(٢) لَا تَيْأَسُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ.
١١٥. أَكْتُبْ مَا طَلِبْتَ مِنْكَ.
(١) أَوْ حَسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.
(الف) افعل المزيد الثلاثي، _____
(٢) رَبَّنَا وَلَا تُحِثْ عَلَيْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا.
(الف) لا التائية للجنس، _____
١١٦. تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةَ.
(الف) لَعَلَّ الْمُذْنِبَ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، _____
(ب) التَّغْفِيرُ، _____
(ج) لِيَتَّفِقُوا هَذَا الْمَوْضُوعَ، _____
(د) أَقَهَمْتَ سِرَّ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ، _____
(هـ) كَانُوا يَقْبَلُونَ كَلَامِي، _____
(و) كُنْتُمْ قَدْ قَبِلْتُمْ أَوْلَادَكُمْ، _____
(ز) قُطِعَتْ الشَّجَرَةُ، _____
(ح) الإِطْقَاعُ، _____
١١٧. اذْكَرِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ
(١) أَلْتَأَسُّ مِنْ جِهَةِ الْآبَاءِ أَكْفَامُ
(٢) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ ضَمًّا كَأَنَّهُمْ بُتِيانٌ مَرْصُوعُونَ.

د. مهارات درك و فهم (٣٣ نمره)

١١٨. (الف) ضَعِ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَةَ الْأُنْسَابِيَّةَ (كَلِمَةٌ زَائِدَةٌ)
(ضَلَّ / لِأَثَارَةٍ / التَّفَاخُرُ / رِيَبٌ / قَصِيرٌ)
١. ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا _____ فِيهِ.
٢. اللَّهُ أَعْلَمُ بِقَمِّ _____ عَنْ سَبِيلِهِ.
(ب) عَيَّنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ الْوَاقِعِ.
١. قَدْ نَسْتَفِيحُ أَنْ نَبْحَثَ مَعْنَى الْكَلِمَاتِ فِي السَّعْجِمْ لِأَنَّ مَعْنَى بَعْضِ الْكَلِمَاتِ مَكْتُوبَةٌ فِيهِ.
٢. الْعِظْمُ خَيْطٌ أَبْيَضٌ بَيْنَ اللَّحْمِ وَالْعَضِيْبِ.
١١٩. إِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ أَجِبْ عَطَائِلِبَ مِنْكَ،
«وَقَدَّرَ كُلُّ الْفَرِيِّ مَا كَانَ يُحْيِيئُهُ» وَ لِلرَّجَالِ عَلَى الْأَفْعَالِ أَسْمَاءُ
فَقَرُّ يَوْمٌ وَ لَا تَطَلَّبُ يَوْمٌ تَذَلًا
(١) أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ.
الف. مَا هِيَ قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ؟ _____
(٢) عَيَّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيْحَةَ وَفِيْزِ الصَّحِيْحَةَ حَسَبَ النَّهْيِ.
الف. أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءٌ لِأَنَّهُمْ ذُو عَمْرِ طَوِيلٍ.
ب. طَلِبُ الْعِلْمِ سَبَبٌ فَوْزِ الْإِنْسَانِ.
(٣) عَيَّنِ الْمُتَضَادِّينَ فِي هَذِهِ الْعِبَارَاتِ، _____ = _____

هـ. مهارات متكلمه (٥/٠ نمره)

١٢٠. اكْمَلِ الْفَرَاغَ فِي السُّؤَالِ وَالْجَوَابِ
(١) _____؟ لَا، أَنَا أَكْتُبُ وَاجِبَانِي يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ.
(٢) لِمَاذَا تَذْهَبُ إِلَى الْمَلْعَبِ؟ _____.

آزمون سطح دشوار ۱ درس اول

آزمون

	الف. مهارت واژه‌شناسی:	(۲ نمره)
(۲۰)	<p>۱۲۱. ترجم الكلمات التي تحتها خطاً. (۱) <u>انطوى العالم الأكبر في الإنسان.</u> (۲) <u>الذين يقاتلون في سبيل الله كفتيان عرصوص.</u></p>	_____
(۲۰)	<p>۱۲۲. اكتب في الفراغ الكلمتين المترادفتين و الكلمتين المتضادتين. (كلمتان زايدتان) (البعث - زعم - ميت - ظن - حي - الأحياء)</p>	(۱) _____ = _____ (۲) _____ ≠ _____
(۲۰)	<p>۱۲۳. عين الكلمة الغريبة في المعنى. (۱) الرجال - الآباء - الأيدي - الأمهات - البنات (۲) البخل - الحسد - الكذب - الغضب - الجهل</p>	_____
(۲۰)	<p>۱۲۴. اكتب مفرداً أو جمع الكلمتين. مفرد الجهال. _____ جمع قيمة. _____</p>	_____

	ب. مهارت ترجمه به فارسی:	(۷ نمره)
(۵)	<p>۱۲۵. ترجم الجمل التالية إلى الفارسية. (۱) <u>أمر الله رسوله بأن الذين يسارعون في التكفر لا يحزنوه.</u> ۷/۵ (۲) <u>ليث المطر يترن في فصل الشتاء و تصبح الأشجار خضرة لعل تلوث الهواء يزول.</u> ۱ (۳) <u>لعل المشتري يتردد في شراء البضائع ولكن البائع يشجعه على بيوها.</u> ۱ (۴) <u>لا نجد بالعلم بدلاً لذلك قيل: الناس موتى و أهل العلم أحياء.</u> ۱ (۵) <u>لا داء إلا دواءه فينا ليتنا نبيس.</u> ۷/۵ (۶) <u>نبحث عن معنى الكلمات في المعجم لعلها مكتوبة فيه.</u> ۵/۵</p>	_____
(۲۰)	<p>۱۲۶. ۱. انتخب الخطأ في الترجمة. ليث صديقاتي ابتعدن عن الكسل. كاش دوستانم از تنبلی _____ الف) دوری می کردند. ب) دوری کرده بودند. ج) دوری کنند. ۲. انتخب الترجمة الصحيحة. إنا جعلناك قرآناً عربياً لعلكم تعقلون. بی گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم _____ الف) امید است شما می‌اندیشید. ب) امید است شما خردورزی کنید.</p>	_____
(۷۰)	<p>۱۲۷. كمل الفراغات في الترجمة الفارسية. (۱) لا علم لنا إلا ما علمتنا. (۲) تراهم خلقوا من طينهم (۳) ما أبرئ نفسي إن النفس لأمارة بالسوء.</p>	جز آنچه _____ ، هیچ _____ نداریم. آنان را _____ از _____ آفریده شده‌اند. قسم را _____ همانا نفس، _____ به بدی است.

	ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد:	(۷/۵ نمره)
(۱)	<p>۱۲۸. ترجم الأفعال حسب القواعد. (۱) <u>كان إرضاء جميع الناس غاية لا تدرك.</u> _____ (۲) <u>ليتني أشاهد جميع مدن بلاده.</u> _____</p>	(۲) <u>قام أبائنا بأمور يعرفونها.</u> _____ (۳) <u>إن الله لا يضيع أجر المحسنين.</u> _____

١٢٩. عَيَّنِ اسْمَ الحَرْفِ المِشْبَهَ بِالفِعْلِ وَ خَبِّرْهُ؛ ثُمَّ اذْكُرْ إِعْرَابَهُمَا.
 إِنَّ اللّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ. _____
 يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيلاً. _____
١٣٠. عَيَّنِ اسْمَ لا التَّافِيهِ لِلجِنْسِ وَ خَبِّرْهُمَا
 لا شَيْءَ أَحْسَنُ مِنَ الْعَفْوِ عِنْدَ الْقُدْرَةِ. _____
١٣١. تَرْجِمِ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّهِ؛ ثُمَّ عَيِّنِ نَوْعَ لا فِيهِ.
 كُلُّ طَعَامٍ لا يَذْكُرُ اسْمَ اللّهِ عَلَيْهِ فَإِنَّمَا هُوَ دَاءٌ وَ لا بَرَكَةٌ فِيهِ.

١٣٢. اَكْتُبِ مَا طُلِبَ مِنْكَ.
 (١) جادِلْهُمْ بِالَّذِي هِيَ أَحْسَنُ.
 الف. المصدر لفعل «جادول» _____
 (٢) وَ لا تَخْرُتْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ العِزَّةَ لِلّهِ جَمِيعاً.
 الف. نوع «لا» _____
١٣٣. تَرْجِمِ الكَلِمَاتِ المُعَيَّنَةَ.
 الف. حَافِظُوا عَلَى آدَاءِ واجباتكم؛ _____
 ب. جَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفاً عَظُوفاً ؛
 ج. المُتَّعَمِّمِ ؛ _____
 د. كَثُرَتْ هَذَا المَوْضُوعِ لِيَتَفَهَمُوا؛ _____
١٣٤. اذْكُرِ المَحَلَّ الإِعْرَابِيَّ لِلكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.
 (١) أَحْسِنُوا إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ المُحْسِنِينَ. _____
 (٢) ذَلِكَ الكِتَابُ لا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ. _____

د. مهارات درك و فهم

(٣٣ نمره)

١٣٥. ضَعِ فِي الفِرَاقِ الكَلِمَةَ المُنَاسِبَةَ (كَلِمَةٌ زَائِدَةٌ)
 (أسرى / لأمانة / امرئ / طاقة / خاشعون)
١. قَدَّرْتُكَلْ — ما كان يُحْسِنُهُ.
 ٢. سَبَّحَانَ الَّذِي — بَعْدَهُ لَيْلًا مِنَ المَسْجِدِ الحَرَامِ إِلَى المَسْجِدِ الأَقْصَى.
 ٣. المُؤْمِنُونَ الَّذِينَ فِي صَلَاتِهِمْ — .
 ٤. رَبَّنَا وَ لا تُحْمَلْنَا ما لا — لَنَا.
١. الإنسان لأُمّ و أب و يُتَّفَاخَرُ بِالنَّسَبِ.
 ٢. القناعة من أغنى الكُنُوزِ.
١٣٦. إِعْرَابِ العِبَارَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ أَجِبْ عَمَّا طُلِبَ مِنْكَ،
 «التُّحَّاسُ عُنُوسٌ فِلْزِيٌّ كَالْحَدِيدِ مُوقِشٌ لِلْحَرَارَةِ وَ الكَهْرَبَاءُ بِسْتِفِيدُ مِنْهَا فِي صِنْعِ بَعْضِ الطَّرِيقِ وَ فِي صِنَاعَةِ الكَهْرَبَاءِ هَذَا العِنَصُ يُسْتَخْرَجُ مِنَ المَعَادِنِ وَ يَوْجَدُ أَحَدٌ مِنَ مَعَادِنِهِ الثَّمِينَةِ فِي مَحَافِظَةِ كَرْمَانَ هُنَاكَ عَنَاصِرٌ فِلْزِيَّةٌ أُخْرَى وَ لَكِنْ لا يُسْتَفِيدُ مِنْهُ فِي صِنَاعَةِ الكَهْرَبَاءِ بِسَبَبِ غُلُوقِهِ»
 (١) أَجِبْ عَنِ الأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ،
 الف. مِن أَيْنَ يُسْتَخْرَجُ التُّحَّاسُ؟ _____
 (٢) عَيِّنِ العُجْمَةَ الصَّحِيحَةَ وَفِيهِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ النُّصْ،
 الف. لا يَوْجَدُ مَعَدُنُ التُّحَّاسِ إِلا فِي مَحَافِظَةِ كَرْمَانَ
 ب. الذَّهَبُ مِنَ عَنَاصِرِ مُوقِشِ الحَرَارَةِ وَ لَكِنْ يَمْعَرُ غَالِي.
 (٣) ما هُوَ مُتَضَادُّ «غُلُوقٌ» ؟ وَ ما مَعْنَى «مُوقِشٌ»؟ _____
١. المُسْحِجِ الأَخْطَا
 ٢. المُسْحِجِ الأَخْطَا
١. المُسْحِجِ الأَخْطَا
 ٢. المُسْحِجِ الأَخْطَا

ه. مهارات مكالمة

(٥/٠ نمره)

١٣٧. رَتِّبِ الكَلِمَاتِ ثُمَّ اكْتُبِ جُمْلَةً مُنَاسِبَةً.
 قَسِيرٌ - لَأَنَّ - طَوِيلٌ - حَيٌّ - لَيْتٌ - الرِّبِيعُ - هُنَا - فَضْلٌ - بَلَدِنَا - الرِّبِيعُ

آزمون سطح دشوار ۲ درس اول

الف. مهارت واژه‌شناسی؛ (۷ نمره)

۱۳۸. تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. (۰/۵)
- _____
- أَتَزَعَمُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ.
۱۳۹. اجعل العلامة المناسبة (-، =). (۰/۵)
- (۱) الذَّاءُ - الضَّحَّةُ
- (۲) يَكْتُبُ - يَسَلِّزُ
۱۴۰. عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى. (۰/۵)
- (۱) طویل - قصیر - سبیل - جمیل - رخیص - _____
- (۲) شک - زیب - [کراہ - خیر - _____
۱۴۱. اَكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْكَلِمَتَيْنِ. (۰/۵)
- الفؤوس، _____ عَظْمٌ، _____

ب. مهارت ترجمه به فارسی (۷ نمره)

۱۴۲. تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ. (۰)
- (۱) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَمًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ.
- _____
- (۲) عَلَيْنَا أَنْ نَعْلَمَ أَنَّ دَوَاءَ الْإِنْسَانِ فِيهِ وَ مَا يُبَيِّرُ وَ دَاوُهُ مِنْهُ وَلَا يَشْفُرُ.
- _____
- (۳) النَّاسُ مِنْ أَبِي وَ أُمِّ وَ تَرَاهُمْ حُلِقُوا مِنْ طَيْبَةِ هَلْ يَسُوئُ لَحْمٌ وَ عَظْمٌ وَ عَضْبٌ.
- _____
- (۴) كَأَنَّ صَدِيقِي مُتَرَدِّدٌ فِي شِرَاهِ الْبِضَاعَةِ؛ وَ هَلْ أَلْبَيْحُ عَارِضٌ عَلَى تَبِعِيهَا؟
- _____
- (۵) (وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِقُلُوبِ مَنْ هُوَ عَنْ سَبِيلِهِ)
- _____

۱۴۳. اِنتْخِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ. (۰/۵)
۱. كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُذْرَكُ.
- الف) گویی خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به دست نمی آید. ب) گویی خشنود کردن همه مردم، هدفی است که آن را به دست نمی آورند.
۲. لَيْتَ فَرِيقِي الْمَحْبُوبِ يَنْجِيخُ فِي الْمُسَابَقَةِ.
- الف) کاش تیم محبوب من در مسابقه پیروز شود. ب) کاش تیم مورد علاقه من در مسابقه پیروز می شد.

۱۴۴. كَمِّلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ. (۰/۵)
- (۱) الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرَانِ مَرْصُورِينَ. كَسَانِي كَهْ دَر رَاهِ خُدَا _____ هَمْچُون _____ هَسْتَنْد.
- (۲) وَ لَا يَخْزِيكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ أَمْرًا إِلَهُ جَمِيعًا. كَقِتَارِشَانِ تُو رَا _____ ؛ زِيْرَا _____ هَمِهْ اَزْ اَيْنِ خُدَا سْت.
- (۳) رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِرُورْدِ كَارَا. اَنْجِهْ رَا كَهْ هِيْجَ _____ نَدَارِيْمْ بِرْ مَا _____ .

ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد (۷/۵ نمره)

۱۴۵. عَيِّنِ اسْمَ الْحَرْفِ الْمَشْبَهِ بِالْفِعْلِ وَ خَبْرَهُ؛ ثُمَّ اذْكُرْ اِعْرَابَهُمَا. (۰/۵)
- (۱) لَعَلَّ بَعْضَ الْكَلِمَاتِ مَكْتُوبَةٌ فِي الْمَعْجَمِ .
- (۲) إِنَّ النَّحَّاسَ كَالْحَدِيدِ مُؤَسَّلٌ لِلخَرَّازَةِ وَ الْكُهْرِبَاءِ.
- _____
- _____
۱۴۶. عَيِّنِ اسْمَ لَا التَّأْفِيَةِ لِلْجِنْسِ وَ خَبْرَهَا. (۰)
- لا علم لنا إلا ما قلنا.
- _____
- _____
۱۴۷. تَرْجِمِ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ؛ ثُمَّ عَيِّنِ تَوْعَ لَا فِيهِ. (۰)
- (۱) فَهَذَا يَوْمٌ التَّبَعْتُ وَ لَكِنِّي كُنْتُمْ لَا تَقْتُلُونَ
- (۲) وَلَا تَسْأَلُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْأَلُوا اللَّهَ
- ترجمه: _____ نوع لا: _____
- ترجمه: _____ نوع لا: _____

١٢٨. أكتب ما طلبت منك.
- (١) في الإنسان انطوى العالم الأكبر.
- الفعل المزيد الثلاثي: _____
- ب. اسم التفضيل: _____
- (٢) وما أبزى نلسي إن التلس لأقارن بالشوم إلا ما زجت زني.
- الفعل المحلل الإعرابي «رَبَّ»: _____
- ب. المتعول: _____
١٢٩. ترجم الكلمات المعينة.
- الف. قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُفْسِنُهُ: _____
- ب. أَمْسِنُوا: _____
- ج. لَيْتَنِي اسْتَضْفَرْتُ: _____
- د. الضَّفَارَةُ: _____
- هـ. لَنْ يُمْلِسَ: _____
- و. إِمْلَسْ: _____
- ز. لَصَلَّهُمْ يُسَارِعُونَ: _____
- ح. كَانَ قَدْ أُسْرِيَ: _____
١٣٠. أعرب ما أشير إليه بخط.
- فُرِّعَ عَلِيمٌ وَ لَا تَطَلَّبُ بِهِ بَدَلًا فَالْتَأَسُّ مَوْتِي وَ أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ.
- _____

د. مهارات درك و فهم (٣٣ نمره)

١٥١. الف. ضع في الفراغ الكلمة المناسبة. (كلمة زائدة)
- (مفسدة / زيب / بركة / أكفاء / محفوظا)
١. التأس من جهة الآيا .
٢. لا _____ في طعام لا يذكر اسم الله عليه
٣. وجعلنا السماء سقفاً _____ .
- ب. عيّن الصحيح و الخطأ حسب الواقع.
١. لبحترم و الدين و معلمينا و إكرامهم واجب علينا.
٢. إن الزبيح في كل البلاد قصير.
١٥٢. اقرأ العبارات التالية ثم أجب عما طلبت منك.
- أبها العايز جهلاً بالثبث إننا الناس لأم و لأب
 هل تراهم خلقوا من يشة أم حديد أم نحاس أم ذهب
 بل تراهم خلقوا من طينة هل بيوت لحم و عظم و عصب
 إننا ألقز لعقل ثابت وحياء و عفاف و أدب
- (١) أجب عن الأسئلة.
- الف. هل يختلف الناس في الخلق؟ _____
- ب. ما يقول الشاعر للفاخر بالنسب؟ _____
- (٢) عيّن الجملة الصحيحة و غير الصحيحة حسب النص.
- الف. ليس التفاخر بالنسب مذموم ليس الفخر لعقل و أدب.
- ب. خلق الإنسان من تراب و عناصر نمنية.
- (٣) عيّن في النص «المجهول» و ماهو المحلل الإعرابي لـ «هم» في «تراهم»؟ _____

ه. مهارات مكانه (٥/٠ نمره)

١٥٣. رتب الكلمات ثم اكتب جملة مناسبة.
- «مثل - الجهل - لا - التفكر - من - أشد - فقر - عبادة - لا»
- _____



۱۵. **گزینه ۲** سؤال از ما گزینه مناسب از لحاظ مفهوم با عبارت داده شده را خواسته است. ترجمه عبارت داده شده: «در سخن و گفتار هیچ خبری نیست، مگر این که همراه عمل باشد» مفهوم این عبارت این است که سخن و گفتار ارزش چندانی ندارد و چیزی که مهم است کردار و عمل آدمی است و گر نه همه حرف زدن را بلد هستند. عبارت داده شده در گزینه ۲ نیز دارای چنین مفهومی است و با عبارت داده شده تناسب معنایی دارد.

۱۶. **گزینه ۴** ترجمه شعر داده شده در صورت سؤال، پای که نابردانه افتخار کننده به اصل و نسب (دودمان) هستی، مردم تنها از یک مادر و یک پدرانده. مفهوم این شعر این است که این که پدر و مادر ما چه کسانی هستند و اصل و نسب ما چیست، چندان اهمیت ندارد و نمی‌تواند مایه افتخار واقعی باشد؛ باید دید که ما خودمان که هستیم؛ چه حرفی داریم و جوهر و هنر ما چیست. بیت‌های داده شده در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ نیز دارای چنین مفهومی هستند، اما بیت داده شده در گزینه ۴ چنین مفهومی را ندارد.

۱۷. **گزینه ۲** در گزینه ۲ آمده است که «هیچ چیزی جهت زندانی شدن سزاوارتر از زبان نیست» درحالی که مفهوم بیت داده در مقابل آن توصیه به گفتن سخن نیکو و پسندیده است و این دو با هم ارتباط معنایی ندارند. **بررسی سایر گزینه‌ها:** در گزینه ۱ آمده است که «خدایند اجر نیکوکاران را تباد نمی‌کنند» که با بیت داده شده تناسب دارد. در گزینه ۳ نیز آمده که «هیچ علمی نداریم جز آنچه که به ما یاد دادی» که با بیت داده شده قرابت معنایی دارد. در گزینه ۴ نیز آمده که «هیچ گنجی بی‌نیاز کننده‌تر از قناعت نیست» که با شعر داده شده تناسب دارد.

۱۸. **گزینه ۳** در گزینه ۳ آمده است که «هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست» که مفهوم آن چنین است که انسان باید قدران سلامتی خود باشد؛ اما شعر داده شده دارای چنین مفهومی نیست. بلکه دارای این مفهوم است که ارزش و منزلت انسان به لباسی که می‌پوشد نیست، بلکه ارزش هر انسانی به درون و باطن (سیرت) اوست.

۱۹. **گزینه ۴** ترجمه **گزینه‌ها:** ۱. پای که نابردانه افتخار کننده به دودمان هستی، مردم تنها از یک مادر و پدر هستند. این بیت دارای مفهوم کلیت آفرینش و خلقت انسان نیست. ۲. «آیا آنان را می‌بینی که از نرفه آهن، مس یا طلا آفریده شده‌اند؟» این بیت دارای مفهوم تفاوت بین جاهل و عاقل نیست. ۳. «بلکه آن‌ها را می‌بینی که از تکه گلی آفریده شده‌اند آیا به‌جز گوشت و پی و استخوان هستند؟» ۴. «افتخار تنها به خردی استوار، شرم، پاکدامنی و ادب است» در این بیت مفهوم به این موضوع اشاره نشده است که انسان باید به عقل افتخار کند و به دارایی افتخار نکند.

۲۰. **گزینه ۳** سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که براساس واقعیت درست باشد. **تحلیل:** به ترجمه گزینه‌ها دقت کنید: ۱. «ارزش انسان به ثروتی است که با تلاش و کوشش به‌دست آورده می‌شود» جمله نادرست است چون ارزش انسان به ثروت نیست. ۲. «هیچ ارزشی برای کسی که علم را طلب می‌کند نیست و کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند برابرنده» این عبارت نیز نادرست است. ۳. «انسان عالمی کوچک است و جهان، جهان بزرگی است» این عبارت کاملاً درست است. ۴. «چوب عنصر فلزی مانند آهن است که برای گرما رسانا است» این جمله نیز نادرست است. بنابراین گزینه ۳ پاسخ درست است.

۲۱. **گزینه ۳** سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که مفهوم آن اشتباه باشد. **تحلیل:** به ترجمه گزینه‌ها دقت کنید: ۱. «پس با علم رستگار شو و جایگزینی را طلب نکن پس مردم مردگان‌اند و دانشمندان زندگان‌اند» جمله به اهمیت و ارزش علم آموزشی دلالت می‌کند. ۲. «افتخار فقط برای عقلی ثابت، حیا، پاکدامنی و ادب است» قسمتی از عبارت به ادب انسان اشاره دارد. ۳. «ارزش هر انسانی به کارهای نیکویش است» در این عبارت به تکرار کارهای نیکو اشاره‌ای نشده است. ۴. «هیچ چیزی زیاتر از گذشت هنگام قدرت نیست» دقیقاً به بخشش و گذشت اشاره دارد. بنابراین پاسخ صحیح گزینه ۳ است.

۲۲. **گزینه ۴** سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که سؤال و جواب با هم تناسب نداشته باشد. **تحلیل:** ۱. کدام غذا برکت ندارد؟ غذایی که نام خدا در آن یاد نشود. سؤال و جواب کاملاً مطابق هم هستند. ۲. برای چه بر ما واجب است که خشمگین نشویم؟ چون که در خشم تباهی است. سؤال و جواب مطابق هم هستند. ۳. چه کسی در زندگی رستگار شد؟ کسانی که در نمازشان فروتن هستند. سؤال و جواب مناسب هم هستند. ۴. کی فصل بهار در سرزمین شما

۱. **گزینه ۳** «سافذ و اعان» مترادف هستند به معنی کمک کرد. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. «بوی، غیره مترادف و «لغض، کم شده» و «زاد، زیاد شده» متضاد هستند. ۲. «الذام، بیماری» و «العافیة، (تندرستی)» متضاد و «یضغ و یضغیل، قرار می‌دهد» مترادف‌اند. ۳. «مدموم، ناپسند» و «محموم، پسندیده» متضاد و «الظن و اژم، گمان می‌کنم» مترادف هستند.

۲. **گزینه ۱** «ایقذ، دور شده» و «اقترب، نزدیک شده» متضاد هستند. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲. «القیث، مرده» و «الحیاء، زندگی» متضاد نیستند بلکه متضاد آن «حی» زنده است. ۳. «امرئ، انسان» و «النساء، زنان» مترادف نیستند. ۴. «اکراه، اجبار» و «حُب، دوست داشتن» متضاد نیستند.

۳. **گزینه ۳** در این عبارت «طینه گل سرشت» و «لحم، گوشت» و «عظم، استخوان» و «عصب، پی، عصب» به این معانی هستند و دو کلمه متضاد در آن به کار نرفته است. ۱. «نؤی، مردگان» و «أحیاء، زندگان» متضاد هستند. ۲. «صغیر، کوچک» و «اکبیر، بزرگ» متضاد هستند. ۳. «أبو، پدر» و «الأم، مادری» متضاد هستند.

۴. **گزینه ۱** جمع «العظمی استخوان» «العظام» است. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲. «الغیظ، نخ» و «الغیاط، خیاطه» مفرد هستند. ۳. «أیضی، سفید» و مؤنث آن «بیضاه» و هر دو مفرد هستند. ۴. «تفسد، مایه تباهی» و «تفسدین، تبهاران» به این معانی است.

۵. **گزینه ۳** با توجه به مفهوم عبارت که می‌گوید: پروردگارا به من چیزی را که طاقت آن را ندارم تحمیل نکن کلمه «طاققه» درست است. ۱. هیچ فقری سخت‌تر از فکر کردن نیست نادرست است و هیچ عبادتی مثل نادانی نیست (در جای خالی اول کلمه «الجهل» و در جای خالی دوم کلمه «التفکر» صحیح است). ۲. «الشیت، شبیه» برای جای خالی مناسب نیست (معنی جمله، از خدا می‌خواهم که مرا در روز قیامت خوار نکند). ۳. «فخر فروشی» به اصل و نسب پسندیده است که جمله نادرست است و کلمه مناسب برای جای خالی «مدموم» است.

۶. **گزینه ۳** «تفسد، مایه تباهی» صحیح است.

۷. **گزینه ۲** «لیث» یکی از «حروف مشبّهة بالفعل» است و برای تمثی و بیان آرزو به کار می‌رود. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. خط‌هایی در بدن انسان و حیوان است و حس در آن جاری است که پاسخ صحیح «الغضب» است. ۲. «از سنگ‌های زیبا با رنگ سفید است» که ویژگی مربوط به «ذکر، مروریده» است. ۳. هدنی که انسان همیشه آن را به دست می‌آورد برای راضی کردن مردم در این‌جا نادرست است.

۸. **گزینه ۴** **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. ابخت، جست‌وجو کن. ۲. حیلقتا، آفریده شدیم. ۳. العالم الأكبر، جهان بزرگ‌تر.

۹. **گزینه ۱** **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲. «نمی‌سوزانند (نسوزانده بودند)» ۳. «مسافرت کننده» (فعل مضارع در جمله دارای «لیث» و «لعل» به صورت مضارع انترامی ترجمه می‌شود و فعل ماضی در جمله دارای لیت و لعل به صورت ماضی استمراری یا بعید ترجمه می‌شود) ۴. نباید تو را اندوهگین سازد (ولای نهی در صیغه‌های سوم شخص و اول شخص یا «باید» ترجمه می‌شود).

۱۰. **گزینه ۴** «ناه» متصل به فعل مضارع نقش مفعول را دارد و فعل به صورت سوم شخص بکار رفته است. ترجمه درست آن «رهایمان نکن».

۱۱. **گزینه ۳** «فجیب» برآورنده اسم فاعل است.

۱۲. **گزینه ۲** جمع «لحم، لحوه» است.

۱۳. **گزینه ۱** کلمات «زئما» و «القل» یا هم متضاد نیستند، بلکه با هم مترادف هستند و به معنای «شاید» هستند. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲. فعل «تجوز» از باب «إفعال» است و مصدر آن «لحصاره» است. ۳. «چرم، پیکر» است. مفرد است و جمع آن «أجرام» می‌باشد. ۴. «أحیاء» جمع مكثر «حی» می‌باشد.

۱۴. **گزینه ۴** در گزینه ۴ آمده است که: «آبیوه گیری مکانی است که در آن اشیاء قدیمی و باستانی محافظت می‌شود» چنین چیزی توضیح «الغشارة» نیست، بلکه توضیح «متحف، موزه» است. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. «تعداد حروف مشبّهة بالفعل» شش حرف است. ۲. «بعث، رستاخیز، قیامت» به روزی اطلاق می‌شود که در آن اعمال انسان حسابرسی می‌شود. ۳. «گل به خاکی آمیخته با آب اطلاق می‌شود».

۱۰۲. گزینه ۴ نکات کلیدی: زمان فعل، نکره و معرفه / «آیا می‌دانی: أَ هَلْ تَعْلَمِينَ، تَعْلَمُ» / «توانسته‌ام: لَمْ أَشْتَطِعْ» (حرف لم + فعل مضارع - ماضی نقلی منفی) / «درس‌های بسیاری (نکره): دَرُوسًا كَثِيرَةً» / بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. «لا أَشْتَطِعُ» مضارع منفی است به معنی «نمی‌توانم» ۲. «الدُّرُسُ الكَثِيرَةُ» مفرّد است و نادرست نمی‌باشد. ۳. «لا أَشْتَطِعُ و الدُّرُوسُ الكَثِيرَةُ» نادرست‌اند.

۱۰۳. گزینه ۴ نکات کلیدی: مطابقت فعل و فاعل و اسم تفضیل «دانش‌آموزان - موفق شدند: طَلابٌ - نجحوا (تجیح طَلابٌ ساء) / «بهترین نتایج: (اسم تفضیل): أَحْسَنُ النَّتائِجِ»

پاسخنامه آزمون سطح متوسط دوس اول

۱۰۴. ۱) المعشّرة، آبیوه‌گیری (۲ / (۲۵) لا یُشْبِعُ، تپاه نمی‌کند (۲۵)

۱۰۵. ۱) الخفلة = الاحتفال (۲ / (۲۵) الذاء = الضحة (۲۵)

۱۰۶. ۱) مُتَرَدِّدٌ (۲۵) واژه‌های اَشْتَرِي، خَرِيدَارٌ - البِضَاعَةُ، کالا - البِشْرَاءُ، خرید - البَيْعُ، فروش یا هم مرتبطند اما متردّد، مردّد یا آنها همخوانی ندارد. ۲) أَيْضًا (۲۵) واژه‌های أَجْمَلٌ - خَيْرٌ أَشْفَى - أَفْضَلُ اسم تفضیل هستند اما ابيض رنگ است

۱۰۷. اجرام (۲۵) الجلد (۲۵)

۱۰۸. ۱) بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، (۲۵) ولی بیشتر مردم (۲۵) سیاست‌گذاری نمی‌کنند (۲۵)

۲) داروی ما در ماست (۲۵) بوما به آن نمی‌نگریم (۲۵) و درود ما از ماست (۲۵) و ما احساسش نمی‌کنیم. (۲۵)

۳) آیا می‌دانید شما از گلی (۲۵) آفریده شدید (۲۵) و جهاتی بزرگ در شما به هم پیچیده شده است (۲۵)

۴) ای کاش تیم آن‌ها در مسابقه پینگ پونگ پیروز شود. (۲۵)

۵) هیچ سربلندی جز برای خداوند نیست (۲۵) و هیچ کاری سودمندتر از کمک به دیگران نیست. (۲۵)

۶) ویژگی بخل و دروغگویی (۲۵) در مومن جمع نخواهد شد (۲۵)

۷) هر غذایی که نام خدا بر آن یاد نشود (۲۵) فقط بیماری است و برکتی ندارد. (۲۵)

۱۰۹. ۱. الف (۲۵) محفوظه، اسم مفعول «نگه داشته شده»

۲. ب (۲۵) لعلّ، شاید، امید است لیت: کاش

فعل مضارع در جمله دارای «لیت» و «لعلّ» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.

۱۱۰. ۱) مس (۲۵) رسانایی (۲) رستگار شده‌اند (۲۵) فروتن (۲۵) شتاب می‌ورزند (۲۵) نباید آندوهگین سازند (۲۵)

۱۱۱. ۱) آن‌ها را می‌بینی (۲۵) ۲) خشمگین نباش (۲۵)

۳) گویا آن‌ها (۲۵) ۴) دور می‌شد (۲۵)

فعل ماضی در جمله دارای «لیت» به صورت «ماضی استمراری» ترجمه می‌شود

۱۱۲. إرضاء: اسم کارّ (۲۵) منصوب (۲۵) غایب (۲۵) مرفوع (۲۵)

إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَيْكُنَّ، لَعَلَّ، حروف مشبّهة بالفعل + اسم منصوب + خبر مرفوع

۱۱۳. کنز: اسم لا (۲۵) آفتی، خبر لا (۲۵)

۱۱۴. ۱) ترجمه: بسیار دانا (۲۵) نوع «لا»: لای نفی جنس (۲۵)

۲) ترجمه: ناامید نشوید (۲۵) نوع «لا»: لای نفی (۲۵)

لای نفی جنس + اسم

لا نفی + فعل مضارع یا تغییر، سکون یا حذف نون

۱۱۵. ۱) الف) الفعل المزيد الثلاثي: أحسنوا (۲۵) ب) اسم الفاعل: المحسنين (۲۵)

۲) الف) لا در «لا طاقة» (ب) «نا» در تحلّنا و «ما» هر دو درست است (۲۵)

لا تحلّنا ما ... به ما تحمیل نکن آنچه را / «نا» متصل به مضارع

مفعول است: «ما» آنچه را هم مفعول است.

۱۱۶. الف) درخواست آموزش کند (۲۵) / ب) آموخته شده (۲۵)

ج) باید بپیمائیم (۲۵) / د) فهمیدی (۲۵)

ه) می‌پذیرفتند (۲۵) / و) بوسیده بودید (۲۵)

ز) بریده شد (۲۵) / ح) بریده شدن (۲۵)

۱۱۷. ۱) مبتدا و مرفوع (۲۵) خبر و مرفوع (۲۵) ۲) مضاف‌الیه و مجرور (۲۵) صفت و مرفوع (۲۵)

۱۱۸. الف) ۱. رِبَتْ (۲۵) ۲. قَصِيْرٌ (۲۵) ۳. ضَلَّ (۲۵) ۴. التَّقَاخُرُ (۲۵)

ب) ۱. الصَّحِيْح (۲۵) ۲. الخَطَأُ (۲۵)

۱۱۹. ۱) الفه قيمة الإنسان ما يحسنه. (۲۵) به یُشْبِهَةُ الناس بالموتی. (۲۵)

۲) الفه الخطأ (۲۵) به الصَّحِيْح (۲۵)

۳) موتی = احياء (۲۵)

۱۲۰. ۱) هل تكثُرُ واجباتك المدرسية؟ (۲۵) ۲) أذهبتُ لرؤية غرة القدم (۲۵)

(می‌تواند پاسخ‌ها متنوع باشد)

پاسخنامه آزمون سطح دشوار اول

۱۲۱. ۱) انطوى: به هم پیچیده شد (۲۵) ۲) مرصوص: استوار (۲۵)

۱۲۲. ۱) زَقَمٌ = ظَمٌّ (۲۵) / ۲) مِتَّ = حَمٌّ (۲۵)

۱۲۳. ۱) الأيدي (۲۵) واژه‌های الرجال: مردان - الآباء: پدران - الأختات: مادران - البنات: دختران هماهنگ اما الأيدي از اعضای بدن و غیر مرتبط

۲) العصب (۲۵) واژه‌های البخل - الحسد - الكذب - الجهل از ویژگی‌های بد اخلاقی است و واژه الغضب (بی) یا آنها بی‌ارتباط است.

۱۲۴. جاهل (۲۵) قيم (۲۵)

۱۲۵. ۱) خداوند به پیامبرش فرمان داد (۲۵) کسانی که در کفر شتاب می‌ورزند (۲۵) نباید او را آندوهگین سازند (۲۵)

۲) ای کاش باران در فصل زمستان بیارد (۲۵) و درختان سرسبز گردند (۲۵) شاید آلودگی هوا از بین برود. (۲۵)

۳) شاید مشتری در خرید کالاها تردید کند (۲۵) ولی فروشنده او را بر خرید آنها تشویق می‌کند. (۲۵)

۴) برای دانش‌جانشینی نمی‌بایم (۲۵) برای همین گفته شده (۲۵) مردم مردماند (۲۵) و دانشمندان (اهل علم) زندماند (۲۵)

۵) هیچ دردی نیست (۲۵) مگر اینکه دارویش در ماست (۲۵) ای کاش نگاه کنیم (۲۵)

۶) معنی کلمات را در فرهنگ لغت جستجو می‌کنیم (۲۵) شاید در آن نوشته شده باشند. (۲۵)

۱۲۶. ۱. ج (۲۵) فعل ماضی همراه با لیت بصورت ماضی استمراری یا بعید ترجمه می‌شود

۲. ب (۲۵) فعل مضارع همراه با لیت و لعلّ بصورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

۱۲۷. ۱) به ما آموخته‌ای (آموختی) (۲۵) دانشی (۲۵) ۲) می‌بینی (۲۵) گلی (۲۵)

۳) بی‌گناه نمی‌شمارم (۲۵) بسیار فرمان‌دهنده (۲۵)

۱۲۸. ۱) به دست آورده نمی‌شود (۲۵) لا تُدرک فعل مجهول

۲) آن‌ها را می‌شناختند (۲۵) فعلی که اسم نکره را توصیف می‌کند اگر مضارع باشد و فعلی قبل از آن ماضی بصورت «ماضی استمراری» ترجمه می‌شود.

۳) ببینم (۲۵) ۴) تپاه نمی‌کند (۲۵)

۱۲۹. الة: اسم حرف مشبّهة (۲۵) منصوب (۲۵) ذو: خبر حرف مشبّهة (۲۵) مرفوع (۲۵)

ی: اسم حرف مشبّهة (۲۵) کنثُ تَراباً خبر حرف مشبّهة (۲۵)

إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَيْكُنَّ، لَعَلَّ، حروف مشبّهة بالفعل + اسم منصوب + خبر مرفوع

۱۳۰. شيءٌ، اسم لا (۲۵) أحسنُ، خبر لا (۲۵)